



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۴۰۰  
چهارشنبه ۸ بهمن ۱۳۵۹، مطابق با  
۲۱ ربیع الاول ۱۴۰۱، ۱۵ ریل

# توسط رزمندگان دلاور انقلاب: مواضع تجاوزگران صدامی در پنجوین وبویان (در خاک عراق) مورد حمله قرار گرفت

در ادامه نبرد نیروهای انقلاب با تجاوزگران صدامی، تلفات و شایعات بسیاری در دشمنان متجاوز وارد شد.  
ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، در اطلاعیه شماره ۳۸۶ خود، قسمتی از عملیات رزمندگان انقلاب را بدین شرح اعلام کرد:  
«۱- نایبازان دلاور نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در جبهه‌های مختلف آبادان پس از اجرای آتش توپخانه و خمپاره‌انداز بر روی مواضع دشمن یک تیربار، دو خمپاره‌انداز، یک خودروی بقیه درصفت ۴

# امپریالیسم آمریکا می‌خواهد ایران را «تنبیه» کند

پس از بر طرف شدن بهانه «دروگانها»، اینک «شکنجه گروگانها» بهانه امپریالیسم آمریکا قرار گرفته است، تا دستپاچی که با «قرارداد الجزیره» زنجیر شده، برای دستیابی به ایران دوباره کشوده گردد.

امپریالیسم آمریکا، که سه-انجام در برابر آزادی خادانین مردم ایران، ناگزیر به پذیرش شرایط مجلس شورای اسلامی برای آزادی «دروگانها» شده اکنون در تدارک آنست که به گونه‌ای از زیر بار تعهدات خود در قبال ایران شانه خالی کند و موادی را که با نامضاه «قرارداد الجزیره» ملزم به اجرای آنست، کان لم یکن نماید. رویدادهای پس از آزادی «دروگانها»، پرده از این نقشه امپریالیسم آمریکا برمی‌دارد.  
روانلدر ریگان، رئیس جمهور جدید آمریکا، نخست اعلام داشت که «خود را بی‌چونجه متعهد به اجرای قراردادی که گاتر امضا کرده است، نمیداند و نظر خود را درباره این قرارداد، پس از بررسی کامل مسئله گروگانها از ابتدا تا انتها اعلام خواهد داشت.»  
این بیان‌شایسته و ناسنجیده ریگان، حتی در خود آمریکا سوه تاثیر پاتی گذارده، پنجوی برخی از مقامات دولتی آمریکا آنرا مورد انتقاد قرار داده و عدم اجرای «قرارداد الجزیره» را موجب سلب اعتبار آمریکا در انکار عمومی جهان خواندند و به رئیس‌جمهور تازه‌وارد حاسلی کردند که دیپلماسی آمریکا پیچیده‌تر و پرتعریض از اینگونه درگیریهایی داخلی می‌گردد. ریگان می‌گوید: «این گفته‌های پیشین خود را صریحا تکذیب کرده، مجددا اعلام نماید که «پسه قرارداد الجزیره پای بند است و آنرا اجرا خواهد کرد» اما آن فاش‌گویی و این دیپلماسی هرچند در واقعیت امر، تغییر می‌دهد، زیرا بی-گروگانها، متواضعانه حتی چشمان بسته را بکشاید، تا به بینند که امپریالیسم آمریکا چگونه در بقیه در صفحه ۷

دریاره نام‌علنی محمد ایزدی، وزیر سابق کشاورزی در دولت موقت  
مناسبتی برای  
شناخت بهتر  
لیبرال‌ها و یکی  
دیگر از «خواص»  
آنها  
صفحه ۴

سؤال از سازمان  
مجاهدین خلق ایران:  
عناصر تشکیل دهنده جبهه  
متحدین و های انقلابی کیستند؟  
«سازمان مجاهدین خلق ایران»، در شماره ۱۰۳ روزنامه «مجاهد» عناصر تشکیل‌دهنده «جبهه متحد ارتجاع» را مشخص ساخته است. در خطاب کمیته مرکزی حزب توده ایران به «سازمان مجاهدین خلق ایران»، که زیر عنوان «گفتگویی با سازمان مجاهدین خلق ایران» انتشار یافته، از «مجاهدین خلق» سؤال شده است که: عناصر تشکیل‌دهنده جبهه متحد نیروهای انقلابی کیستند؟  
اهمیت پاسخ به این سؤال، نه فقط در اینست که افکار عمومی مردم ایران - که با نظر «سازمان مجاهدین خلق ایران» درباره عناصر تشکیل‌دهنده «جبهه متحد ارتجاع» آشناسنده‌اند - نظر «سازمان مجاهدین خلق ایران» را درباره عناصر تشکیل‌دهنده «جبهه متحد نیروهای انقلابی» هم‌خوانند دانست و قضاوت خواهند کرد که واقعا چه‌کسی انقلابی و چه‌کسی ارتجاعی است، بلکه برای خود «سازمان مجاهدین خلق ایران» و هواداران آن و مردم ایران روشن خواهد شد که «مجاهدین خلق» در صحنه سیاست ایران در کنار چه نیروهایی قرار دارند.  
از آنجا که ندر مقاله «جبهه متحد ارتجاع» روزنامه «مجاهد» و نه پس از انتشار «گفتگویی با سازمان مجاهدین خلق ایران» به این‌سؤال پاسخ داده نشده است که: نظر «سازمان مجاهدین خلق ایران» درباره عناصر تشکیل‌دهنده «جبهه متحد نیروهای انقلابی» چیست، ما این سؤال را تکرار می‌کنیم.

# ضد انقلاب می‌کوشد در فارس جبهه جدیدی علیه انقلاب باز کند

درگیری با پاسداران و ماموران ژاندارمری و برسرورهای افراد ایله با روستائیان منطقه، بروز می‌کند.  
در قیر و گلرین قزوالبای منطقه و خوانین بومی، محیط را به حادی متشیج کرده‌اند که امنیت منطقه به‌خطر افتاده است. کار به جایی رسیده است که آجیرشدگان خوانین قشایی در راه چلو سافین و غابریین را می‌گیرند و اگر قافه و ظام آنها شبیه پاسداران انقلاب باشد، آنها را توقیف می‌کنند و اگر مسلم شود که پاسدارند، آنها را بقتل میرسانند.  
در چارچوب همین توطئه گسترده ضدانقلاب در استان فارس، باید به درگیری اخیر مصنی اشاره کرد که در آن ۷ تن کشته و ده‌ها نفر مجروح شدند.

فعالیت ضد انقلاب در استان فارس شلت یافته و خانها، سرمایه‌داران بزرگ، ساواکیها و مانویستها، اینجا و آنجا، تشنج و درگیری برپا میکنند.  
هرچه زودتر باید فعالیت‌های ضدانقلاب را در فارس خنثی کرد.  
واگذاری زیر، جلوگیری بعمل آورد. درناحیه لیریز و اصطهبانات هم عده‌ای روحانی‌ها، با موظف های ضدانقلابی، مردم را علیه هیئت‌های ۷ نفری و اقدامات آنها تحریک میکنند.  
اطلاعات رسیده نشان میدهد که گروه دیگری از افراد معلوم - الحال در شهرهای چهره، فسا، آناه، اقلید و لار نیز زیر پوشش‌های مختلف مردم را به راهبیمایی و درگیری میکشاند. آخرین اقدام این افراد که طرفداران خسرو قشایی و پختیاری در میان آنها دیده میشود،

ضدانقلاب که با تمام نیروی خود می‌کوشد تا سنگ‌های تازه‌ای علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران باز کند، مدتی است که فعالیت خود را در استان فارس، که بعلت وجود عشار دارایی موفقیت ویژه‌ای است، گسترش داده است.  
در متن این گزارش ضد انقلابی است که ظرف دی ماه، در منطقه میرزاآباد چهره، گروهی از عناصر مشکوک زمین زراعی، درختان و نبال‌های این روستا را ویران و چاه‌های آب را کور کردند و مسیبت آب‌رسانی قطره‌ای این منطقه را از کار انداختند.  
اخبار رسیده از فارس همچنین حاکی از این است که قزوالبای زمینداران بزرگ در روستاهای اطراف داراب مزاحمت‌های جدی بوجود آورده‌اند و کوشش میکنند از کزهیتهای ۷ نفری

## در صفحات بعد

### در کارگاههای جعبه سازی اصفهان

صفحه ۴

### توطئه خوانین منطقه «ریز» استان پوشهر و اقدامات مهم نهادهای انقلابی

صفحه ۵

## پیام شادباش کمیته مرکزی حزب توده ایران به کمیته مرکزی حزب کمونیست اسرائیل بمناسبت تشکیل کنگره نوزدهم حزب کمونیست اسرائیل

کمیته مرکزی حزب کمونیست اسرائیل  
وقتی گراسا  
از سوی کمیته مرکزی حزب توده ایران و همه‌امضای حزب، درودهای گرم و رزمجویانه ما را بمناسبت برگزاری کنگره نوزدهم حزب کمونیست اسرائیل پذیرید.  
کنگره نوزدهم حزب کمونیست اسرائیل هنگامی برگزار میشود که دولت راستگرای «لیکود» برحی مناسبت‌نگین، که نماینده هادترین محافل بورژوازی بزرگ اسرائیل است، با سیاست داخلی ارتجاعی و سیاست خارجی تجاوزگرانه و توسعه‌طلبانه خود، جامعه اسرائیل را به بحرانی عمیق کشانیده و به‌آندام امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم بین‌المللی در منطقه تبدیل شده است.

# برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

### هشدار سازمان جوانان توده ایران در سنجش به دانش آموزان درمورد توطئه های امپریالیسم آمریکا

سازمان جوانان توده ایران - شهرستان سمنان در تاریخ ۱۹ دیماه ۵۹ با انتشار اعلامیه ای خطاب به دانش آموزان، از آنها خواست که با حفظ آرامش در مدارس، توطئه های امپریالیسم آمریکا را هشیارانه خنثی کنند. در این اعلامیه آمده است:

دانش آموزان سمنان و انقلابی!  
انقلاب شکوهمند ایران به رهبری امام خمینی، با خطر افکندن منافق کشورهای امپریالیستی و در رأس آنها امپریالیسم آمریکا، حلقه دیگری از زنجیر اسارت امپریالیستی خلقهای تحت ستم جهان را گشود، و بنوان نغمه ای از جبهه واحد ضد امپریالیسم جهانی، فصل نویی در تاریخ مبارزاتی خلقهای ایران آغاز نمود.  
امپریالیسم آمریکا، که منافض پرمهوری جدی در منطقه، در اثنای آنکاس انقلاب ایران، به خطر افتاده است، آرام ننشسته و دست به توطئه های زنگارنگ در جهت به بند کشیدن دوباره خلقهای ایران زده و خواهد زد. ابتدا با توسل به نمایندگان خود در بن دولت موقت دکان به گناه منس نموده تا مسیر ضد امپریالیستی و خلقی انقلاب را منحرف نماید و به ایصال شوم خود دست یابد. با تسخیر لانه جاسوسی و سقوط دولت موقت و فریب فالتالی پزوهنگر از انقلاب اول، امپریالیسم، به سرگردگی امپریالیسم آمریکا، شیوه استعجاله انقلاب پرمسئله عواملش را موقتا کنار گذاشت و رویه شیوه پراگماتیستی مستقیم آورد. در این رابطه می توان محاسرات اقتصادی، دخالت نظامی و گروهبی توزه را نام برد. و چون فریب از توطئه های مذکور نیز دچار شکست گردید، دست آمریکا از آستین سمدخان بیرون آمد و تجاوزی آشکار بر علیه جمهوری اسلامی ایران آغاز گردید. این بار نیز نیروهای مسلح پاسدار انقلاب، با اتکا به نیروی لایزال توده ها و هوشیاری نیروهای انقلابی، یکپارچه و مصمم این توطئه را همچون توطئه های پیشین خنثی کردند و این یکبار مقدس می رود تا سادمان و داروستانش را به زیاده دان تاریخ بچینند. در همه حال عامل تمهین کننده در این توطئه، همانا وحدت کلمه و عمل نیروهای مدافع انقلاب بر علیه دشمن اصلی - آمریکا و ارتجاع بین المللی بود. اکنون با شکست توطئه سمدان - آمریکا، امپریالیسم آمریکا مشغول به نمودن توطئه هفتم خود در جهت نابودی انقلاب ایران است. هدف اصلی این توطئه ایجاد کانونهای تشنج و ناآرامی در نقاط مختلف کشور و از جمله در مدارس است.

دانش آموزان مبارز! اکنون پس از مدتی نسبت طولانی وقفه در بازگشایی مدارس و بخصوص دبیرستانها، این سنگرها در کنار سایر سنگرهای خلق، دیوار برای دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران آماده اند. وظیفه شما دانش آموزان انقلابی است که با استفاده از تجربیات گذشته، از افتادن به دام ضد انقلاب حذر کرده و با هوشیاری هرچه بیشتر، در خنثی نمودن این مسایس پلید و افساس آنها کوشا باشید.

لازم به یادآوری است که برخوردهای غیر واقع بینانه بعضی از مسئولان و اعضای هیئت های پاکسازی و بخصوص صمیمیه غیرنظامی تعدادی از مسلمین انقلابی و وارد آوردن اتهامات بی پایه و اساس، همکاری با گروه های ضد انقلابی بر این قشر زحمتکش، شرایط و جوی را فراهم آورده که نه تنها در جهت انقلاب نیست، بلکه آب حیات مسلمانان را آلوده می نماید. در این شرایط، هر یک از شما باید با هوشیاری و همت خود در جهت خنثی نمودن این توطئه ها تلاش کنید. در این شرایط، هر یک از شما باید با هوشیاری و همت خود در جهت خنثی نمودن این توطئه ها تلاش کنید.

سازمان جوانان توده ایران - شهرستان سمنان، ضمن تأیید نکردن این گونه برخوردهای غیر واقع بینانه، که آگاهانه یا نا آگاهانه، بنزین بر آتش ضد انقلاب منطقه، از قبیل قلمبوس و گومله و غیره می ریزد، به دانش آموزان سمنان و مبارز همدار و پیشهاد میدهد که با شیوه های منطقی با نارسانایی و کمبوهای موجود برخورد کنند و با توسل به مسئولین و اولیای مدارس، از هر گونه حرکتی که یار دیگر وخامت و تشنج در منطقه تشدید نماید، جدا برهین نمایند و بکوشند تا از طریق منطقی، با بحث و گفتگو مشکلات را حل و فصل کنند. در این مقطع حساس و مرنوسن، ستار، که مبین انقلابی مورد تهاجم و حشیا امپریالیسم جهانی، به سرگردگی امپریالیسم آمریکا، قرار گرفته است، طرح هر گونه مسئله فرعی و عمده کردن آن نه تنها سود انقلاب نیست، بلکه بسود دشمن اصلی ما آمریکا است. برقراری اتحاد اتحاد نیروهای ضد امپریالیستی، دموکراتیک و خلقی در جبهه متحد خلقی، نابودی امپریالیسم جهانی، به سرگردگی امپریالیسم آمریکا!

### در مراسم تشییع جنازه شهدای پاسدار قزوین: آمریکا کانون ضد خلقی، نابود باید گردد

جنازه های ۱۰ تن از شهدای جنگ جبهه های جنوب کشور روز ۲۹ دیماه ۵۹ با حضور کتیبه ای از مردم قزوین و زحمتکشان شهر صنعتی البرز در این شهر تشییع شد. تشییع کنندگان از مقرسپاه پاسداران قزوین تساهامزاده حسین دین شهباز - یمنی گردند و در آنجا یکباره شهادت به خاک سپرده شد.  
در مراسم تشییع جنازه این شهید، علما گهر پرورش، نماینده مردم اصفهان در مجلس شورای اسلامی، ضمن تلقی در مسجد نبی این شهر، ضمن اشاره به شهادت قهرمانانه این دلاوران، گفت:

شما با شهادت خود جنایات امپریالیسم جهانی و صهیونیسم بین المللی را آشکار کردید. وی سپس افزود:

مگر شما بودید که جنس های و هایش را تقویت کردید؟ مگر شما بودید که توطئه های گناه سفید را بر ملا کردید... مردم از هم جدا نشوید، وحدت داشته باشید، بعد خواهید دید که چطور کلاه صدامی نابود خواهد شد و پشیمان صدامی از هم متلاشی می شوند. در این مراسم، راهبانیسان پلاکارهایی با خود حمل می کردند که نشانه نفرت آنان از امپریالیسم آمریکا بود. روی یکی از پلاکارها این جمله به چشم می خورد:

«آمریکا، این کانون ضد خلق، نابود باید گردد»

### بر خلاف شایعات، شهرسازی آرام است

در روزهای اخیر، اینطور شایع شده است که در شهر سازی و قتل و غارت و تهاشمی وجود دارد. بر اساس گزارشهای رسیده، شهر سازی، بعد از یکسری تصنیجات، که به علت کشته شدن یکی از شهروندان سازمان مجاهدین خلق بوجود آمده، هم اکنون آرام است و اظهارات مختلف میسر. اینکه تصور ناسرمشال عدم امنیت در نقاط مختلف به چشم می خورد، محبت ندارد.

### سلامت مبارزه سیاسی وایدئولوژیک را در عمل رعایت کنیم

حجت الاسلام هادی غفاری، نماینده مجلس شورای اسلامی ایران، قبل از خطبه های نماز جمعه ۲۶ دیماه ۵۹، در شاهرود، گفت: هم صریحا میگویم در مقابل ایدئولوژی هیچ گروهی متوسل به زور نشوید... آنکه متوسل به فتن و تهمت می شود، حرفی برای گفتن ندارد. من صریحا میگویم سنگر نماز جمعه ما در اختیار همتان، حتی هر کسیست. یقینا حرفتان را یزید و در پایان ما هم حرف خود را خواهیم زده تا ببینیم حق با کیست. لازم به تذکر نیست که چنین اظهاراتی، که منطبق بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است، مورد قبول و تأیید کلیه نیروهای پشتیبان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران نیز هست. حزب توده ایران، از نخستین روز پیروزی انقلاب، صریح کرد که برای سلامت انقلاب و تأمین پیشرفت سریع آن، برای تأمین و تحکیم اتحاد نیروهای انقلابی، لازم است که کلیه نیروهای پشتیبان انقلاب را، علیرغم تفاوت در مواضع سیاسی و ایدئولوژیک، به دفاع از انقلاب و دستاوردهای آن فراخواند و با توسل به اشکال منطقی سالم مبارزه سیاسی و ایدئولوژیک، بدون توسل به زور و خشونت و با مخالفت از انصاریطلبی گروهی، نیروی دفاعی انقلاب را در مقابل توطئه های امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب داخلی و نیز فئودالها و سرمایه داران بزرگ، سازمان داد. بنظر ما، می توان و باید - در این مبارزه سالم سیاسی و ایدئولوژیک - اتحاد نیروهای انقلابی را - که عمده و اصلی است - تقویت کرد.

اظهارات درست آقای هادی غفاری، متأسفانه در دو سال گذشته کسر در عمل رعایت گردیده است و بیشتر از آنکه منطق و گفتگوی دوستانه بر فضای برخورد سازمانها و گروه های مختلف سیاسی پشتیبان انقلاب، حاکم باشد، زور و بی منطقی بر این روابط حکومت کرده است. تا جائیکه چنین برخوردی، برخی سازمانها و گروه های چپ و راست را، که بجای آگاهی به عمق زنده ها، احساسات بر رفتار آنها حکومت میکند، در برخی موارد به مقابله با انقلاب کشانیده و در نتیجه زایندهای جدی به انقلاب و تحکیم اتحاد نیروهای ضد امپریالیست وارد ساخته است.

«توسل به زور در برخورد با سازمانها و گروه های سیاسی مدافع انقلاب، بجای آنکه همه نیروها را در جهت خنثی ساختن توطئه های امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب داخلی بکار اندازد، آنها را از این هدف منحرف میسازد و موجب تفرقه و تشدید تفرقه می شود، که فقط بسود ضد انقلاب است.»

حزب توده ایران خود علیرغم تأکید بر روی مبارزه سالم و اصولی و تلاش بیگانه برای مقابله با توطئه های امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب پرورده اش، از روش نادرست و زایندهای گروه های دیگر متحمل لطبات ناورای بسیاری گشته است که نمونه شاخص آن اشغال غیرقانونی زیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران و دفتر نامه مردم در تهران و بسیاری از شهرستانها، توسط کسانی است که در واقع «حرفی برای گفتن نداشتند.»

اما میدوانیم که اظهارات نجات اسلام هادی غفاری، که از جانب بخش بزرگی از مسئولین جمهوری اسلامی ایران نیز تکرار شده است، در مرحله حرف باقی نماند و به عمل درآید.

### پیام شادباشی...

بقیه از صفحه ۱  
توانی مشترک صهیونیسم اسرائیل، امپریالیسم ایالات متحده آمریکا و ارتجاع عرب علیه خواست های خلق جنبش آزادی بخش خلقهای عرب، بویژه جنبش مقاومت فلسطین نیست، بصفت محکوم شیکتیم. حزب توده ایران هم، هم آوا با حزب کمونیست اسرائیل، خواستار حل همه جانبه مسئله فلسطین با شرکت برابر حقوق سازمان آزادی بخش فلسطین، یگانه نماینده راستین خلق فلسطین است.

حزب توده ایران سیاستگرایی خود را از هستی حزب کمونیست اسرائیل با انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران و پشتیبانی آن از مبارزات مردم ما علیه صهیونیه یهودی امپریالیسم ایالات متحده و عوامل آن در منطقه و در داخل ابراز میدارد.

ماتین بنویس خود، هستی عقیق خود را با یکبار کمونیستهای اسرائیلی در راه صلح یاددار در خاورمیانه و جهان، دستکاری و بیشراف اجتماعی اعلام میکنم و بیروزی کتک توده حزب شما را در راستای پیشبرد این هدفهای والا خواستاریم.

کمیته مرکزی حزب توده ایران  
دیراویل: لورالدین گیانوری

### حمله به کتابفروشی روزبه در بندر گز

کتابفروشی روزبه در بندر گز، از توابع گرگان، روز جمعه ۲۶ دیماه ۵۹ برای سوبین نامرود هجوم قرار گرفت. مهاجمین قبل از حمله به کتابفروشی روزبه، کتابفروشی مجاهدین را نیز مورد حمله قرار دادند. کنگنه مجاز نیست. ما ضمن محکوم کردن این عمل ضد انقلابی، از مقامات مسئول مطالبیم که از این اعمال غیرقانونی و ضد انقلابی جلوگیری کنند و اجازه ندهند که ضد انقلابیون از افراد نا آگاه برای نیل به اهداف پلید خود سوء استفاده کنند.

### توضیح

دو شماره روز دوشنبه ۸ بهمن ماه ۵۹ روزنامه کیهان، نامه ای از پدر شهید «چشید برچی زاده» درج شده بود. منتهی اینکه حزب توده ایران و سازمان چریکهای فدائی خلق، شهید «چشید برچی زاده» را به خود نسبت داده اند، در حالیکه این خبر درست نیست و فرزند ایشان متضو هیچ گروه و دسته و حزبی نبوده است.

در آنچه که مربوط به حزب توده ایران است، باید گوئیم که نامه «مسرد» چنین خبری را منتشر نداشتند؛ به این دلیل ساده که اولاً شهید «چشید برچی زاده» عضو و یا هوادار حزب توده ایران نبوده است، لایزال حزب توده ایران بدور است کشته شدی غیرتوده ای را - در کتاب تخرامی که به خاطر همه شهیدان راه استقلال و آزادی ایران دارد - بخود نسبت دهد. حزب توده ایران که هزاران نفر از بهترین مبارزانش را طی چهل سال یکبار در راه استقلال، آزادی و ترقی ایران از دست داده و بحق به «حزب شهیدان» معروف است، نیازی به این کار ندارد.

ظاهر اینست که «چشید برچی زاده» بر اساس اطلاع غلط باید به چنین تهاجمی رسیده باشند، که موجب کمال تأسف است. ما ضمن ابراز تسلیت صمیمانه به پدر شهید «چشید برچی زاده»، امیدواریم که توضیح ما برای رفع سوء تفاهم از ایشان کافی باشد.

### برای مقابله با تجاوز نظامی آمریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

جلو ایجاد کانونهای تشنج در مملکت را بگیرد و اجازه ندهد که آمریکا انقلاب ما را به خطر اندازد. ما بویژه از مقامات مسئول فارس می خواهیم که اجازه ندهند ضد انقلاب جبهه جدید علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در فارس باز کنند.

### ضد انقلاب

بقیه از صفحه ۱  
این اخبار نشان میدهد که متأسفانه ضد انقلاب تا حدودی توانسته است توطئه های خود را در فارس پیاپی کند. توطئه های خود زمینه ساز توطئه هفتم

### مواضع تجاوزگران...

بقیه از صفحه ۱  
کمپرسی، یک انبار و یک جادو مهتاب، هفت موضع تانک و چند سنگر انفرادی دشمن را منهدم کرده و حدود ۳۶ نفر از افراد ارتش متجاوز را کشته و زخمی کرده اند. همچنین بموخانه دشمن تاقالی از شهرهای آبادان و زنگرول را هدف قرار داد و به چند خانه مسکونی خسارتی وارد کرد.

### در باره نامه علی محمد ایزدی وزیر سابق کشاورزی در دولت موقت

## مناسبتی برای شناخت بهتر لیبرال ها ویکی دیگر از «خواص» آنها

بسیاری از «خواص» لیبرالها، در این مدت دوسالی که بچنان انقلاب افتادند اند تا آنرا بسنجند، بر مردم قهرمان ما، بر مفرقه، روشن شد. بخصوص مردم دانستند که اینها موریانه وار قصد دارند انقلاب را از درون بیروانند، اینها میخواهند به روی سرمایه داران بزرگ غارتگری و بی گریز از کشور حریف وفادارند، و توسط انقلاب از در بیرون رانده شده و میسوزند، پنجه را بکشند و پاره پاره آنها دوباره «آزادی» گری غارت را عطا کنند و حق آنها را به ظلم و سب و ستم سوزانند. لیبرالها میخواهند راه امپریالیسم را که با آن همه دزدانگری و بی گریز از کشور ما ایران بیرون رانده شد، برای بازگشت صاف و هموار کنند و زمینه سازهای اقتصادی و سیاسی و نظامی و فاسد فرهنگی را با «هنگار» خوبی فراهم آورند. همه این «خواص» به علاوه دروغ گوئی، اتهام زنی، ریاکاری، نفاق افکنی، عدم رعایت اصول و خدشه دار کردن موازین اخلاقی و بر سر همه کس رفته رفته روشن شده بود. لیبرالها در گذشته و حال با نامهای که علی محمد ایزدی، فتودال معروف، لیبرال معروف، وزیر کشاورزی معروف دولت موقت، و روزنامه ها نوشته است، این «غاصب» لیبرالها را، عیان تر از همیشه، برای ثبت تاریخ در معرض قضاوت عموم قرار گرفت.

براستی هم نامه ای است در اوج آشنایی و تندی نقطه مقابل شرم و حیاء ناپه خود بود، بویچ پیرامون آنهاست. تنها از این نظر جالب است که نشان میدهد لیبرالها چگونه «میزان» می شوند و چه برداشتی از انقلاب و روش آنها دارند و در مخالفت با آن تاج محمد میتوانست موازین اخلاقی را زیر پا نهند.

علی محمد ایزدی را حالا دیگر کمتر کسی است که نشناسد. سردی که فتودال است و شهره در روش ضد دهنانی لیبرال است و نظیر سازشکاری و سیاست غیر انقلابی (لااقل) دولت موقت، نظیر کننده رژیم شاه ملعون است و تحسین کننده اصلاحات ارضی او، بردی که قیافه مسلمانان بخسود می کرد و «آیه» قرآن می خواند، ولی قیامش نیویورک است و کتاب دمایش در دست چک، مردی که وزیر دولت پس از انقلاب شد، ولی قبل از انقلاب به سفارت آمریکا نامه نوشت و درخواست تبعیت کرد تا «شهرود» مفید آمریکا شود، مردی که ستایشگر نحوه زندگی و روابط آمریکایی ها با یکدیگر است و در نامه خود نوشته «از دستگیری خودی خود را انتقال نیم میلیون دلار پول نقد به آمریکا قرار داد، سردی که

فردا ارایش، از لیبرال غریبه تا فتودال قرون وسطایی، به خون انقلاب تشنه اند و روزنامه طرفدارش «میزان» پس از آشکاری و انشجویان مسلمان پیرو خط امام و فاش شدن سند درخواست تبعیت ایزدی، نامه «فاسق» خواند، مردی که برای برابری با «خواص» امپریالیست ها، با یکدیگر در اسلام نه محدود است نه مشروط!

چنین مردی - که اگر در راهی از محتوای انسانی، اخلاقی و عاطفی این کلمه در وجودش بود - بی پایست با افشای نامعاش از خجالت آب خوردن لاف زبان ها، با درکام حریف پنهان کند و حق می بود که دست کم با همان ۵۰۰ هزار دلار و درخواست شهروندی آمریکا، تا آخر عمر، سر افکنده، در کشور نبود خود کرکند و از «مواهب» آنجا برخوردار گردد. حالا باگتای قلم بدست گرفته و بی پای بیرون باغ از گذشته تاریک و عمل زشت خود برخاسته است. این کاری است که تنها از احوال او برمی آید. او در واقع نمونه ای از گستاخی ویژه لیبرال های موریانه انقلاب و جادو صاف کن امپریالیسم و سرمایه داری را عرضه داشته است. (به نامه او مندرج در «میزان» ۲۳ دی ماه ۵۹ و در جمهوری اسلامی» ۲۲ دی ماه ۵۹ مراجعه کنید)

### فاسق!

ایزدی وزیر دولت موقت، در حالی که توسط «میزان» دانشجویان مسلمان پیرو خط امام را «فاسق» می نامد، در نامه جدید خود آن را «برادری ایرانی» خطاب می کند! او نمونه دیگری از بی وفایی و تزویر را، که خاص لیبرالهاست، به دست می دهد. او در اینجا هم اسب گستاخی را بی حساب می سازاند. و با تحریف سانی آنها می ترساند، دانشجویان مسلمان پیرو خط امام را، که امام خمینی آن را «عزیز» خوانده است و اثرات مثبت کار انقلابی آن ها بر کسی پوشیده نیست، به این سفات توصیف کرده است: «عدول از دستورات قرآن» «عیب جو»، «قضاوت برهن و گمان»، «گناه»، «حق را با باطل پوچاندن»، «غیبت»، «انجام نواهی» - بی - اعتنائی به احکام الهی و ... اینها است برخی از آن چه جناب ایزدی «شهرود مفید آمریکا» (به نوشته خودش) لازم دانسته است در باره دانشجویان مسلمان پیرو خط امام بنویسد.

### قر دای می آید!

اما علی محمد ایزدی وضع کنونی کشور ما را چگونه می بیند؟ کثوری که یک انقلاب عظیم ضد امپریالیستی و ضد استبدادی و خلقی انجام داده و جهانی را تکان داده است؟ کثوری که در برابر انواع و اقسام ظلمهای نظامی و اقتصادی و سیاسی آمریکا سر ستانده است و با تحمل دشواری های ناشی از جنگ و محاصره اقتصادی از استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی ایران دفاع می کند؟ نه! ایشان چنین عقیده ای ندارند. جناب وزیر دولت موقت، ایران را چنین توصیف می کند: «اقتصادی از زمین پاشیده، آوارگان در سر سیاه ریمستان سرگردانند، هیچ کس به فردایش امید ندارد که چه میسر خواهد آمد».

### گوشه دیگر زمین خدا!

ایزدی فتودال - لیبرال - وزیر دولت موقت، آشکارا علیه خط امام، که آمریکا را دشمن اصلی می داند قد علم کرده و در نامه خود امپریالیسم آمریکا، این نظیر غارتگری و فساد این مهد زورگویی و جنایت را، «گوشه دیگر از زمین خدا» می نامد. او به قدری گستاخی می کند که «مصرفات» درخواست خود را برای تبعیت ایالات متحده آمریکا، یک «وظیفه شرعی» می خواند. معلوم نیست چرا جناب وزیر سابق، از میان تمام «گوشه های زمین خدا»، درست ایالات متحده آمریکا را برگزیده است؟! حال آنکه گرمی چرا به اوگاندا یا «نامی بی» - لاقال می برسیم چرا به الجزایر یا سوریه یا لیبی، که کشورهای مسلمان هستند، قصد «فروار ظلم» را - به قول خودش - کرده بود؟! آیا مثلا الجزایر «گوشه دیگر از زمین خدا» نبود؟ یا شاید هم خرج کردن پانصد هزار دلار در لاس وگاس و کالیفرنیا بیختره «وظیفه شرعی» ایشان می خورد؟! در واقع هم از دید لیبرالهای پرواز شده از غارت مردم، هیچ گاهای جهان، سرزمین و اصلا قابل زیست نیست جز آمریکا و اصلا دنیا بی جهان یک «گوشه زمین خدا»

### برای انقلاب یا علیه انقلاب!

وزیر سابق دولت موقت نک تبعه آمریکا شدن را، در کرامت انقلاب، نه تنها با گستاخی به هیچ گرفته، بلکه طبلکار می شده است! او می نویسد: «رفتن به آمریکا نه برای عافیت، طلبی، سرپیچی از انجام وظیفه بود (انجام وظیفه نسبت به کی؟ ایران و ایرانی های حمتکش با آمریکا و بانک های آنجا؟) اگر به آمریکا هم رفتیم، برای این بود که امکان فعالیت در آنجا برای انقلاب ایران داشته باشیم».

آقای وزیر سابق ا فعالیت شما را در زمینه «زرعه داری و کراه دادن مشکلات و سرمایه گذاری های «مفید» در آمریکا، الحق نمی توان انکار کرد. ولی لفظ از انقلاب ایران صحبت نکنید، انقلاب ایران علیه آمریکا میسوزد، و نظام طاغوتی سرور شما و استثمار ملت وجودی شماست. گفته شما، شاید بر اثر اشتباه چاپی، بجای «علیه انقلاب» برای انقلاب چاپ شده است؟! «روایتها»

### روایتها

ایزدی، از ترس عقوبت تاریخ و انتقام خلق، پای دیگران را هم - در نامه خود به مجراید - به میدان می کشد و دوستان هم محفل خویش را هم به درون مرداب می کشاند. تا شاید بدتر غرق شود. او می نویسد: «دیگران هم درون محیط و شرایط آن روزی در آمریکا مشغول فعالیت موثر و مبارزه جدی بودند... و تعداد زیادی از همین آقایان پیش کسوتان، که هم اکنون سمت های حساسی در دستگاه های حکومت انقلاب دارند، نه تنها کاری سبز داشتند... بلکه بعضا تبعه هم شده بودند».

### وضعیت قرمز برای کی؟

اما افاضات ایزدی در زمینه «خدمات کشاورزی» اش، نمونه دیگری از نبودن همان خصلت انسانی شرم و حیاسی است که در لیبرال های رخم - خورده و افشا شده، حکم سیرخ را دارد. او می نویسد: «تولید محصولات در زمان کوتاه دولت موقت جدا جدا بیست سال اخیر را داشته و متاسفانه بعدا شدیداً افول کرده و مسلما اگر بعضی بدین منوال باشد، در سنوات آتی وضع خطرناک تری پیش پایی می شود».

ایالات امریکا به ایزدی و لیبرال های هم کاسه اش یادآوری کرد که دهقانان، به فریمان امام خمینی بود که به کشت «گله» زمین ها پرداختند؟ آن ها، «علیرغم داشتن مشکلاتی که فتودالها و همچنین وزارت کشاورزی زیر مدیریت ایزدی ایجاد می کردند، با اطمینان تمام خمینی را علمی ساخته و در نتیجه تولید محصولات و بالا بردن دستمزد افول و رکود، به این شکل و حدی که طرح می خود هم، از یک سو تبلیغات ساخته و پرداخته فتودالها و عمال آمریکا است، که می خواهند روح و بخت ایجاد کنند و جلوی هر گونه اقدام انقلابی را بگیرند، و از سوی دیگر، تا آنجا که اوقیت دارد، شره مستقیم همان حکومت دندانه کار (لااقل) موقت است که، در زمان وزارت ایزدی، سابقا تحت غلا خرابکاری و ایجاد تحریک و تشنج بود و نگذاشت کاری که درخور انقلاب بزرگ ما باشد، انجام شود. یکی از بزرگ ترین قربانی که در زمان وزارت ایزدی به انقلاب خورد، معانت از انجام اصلاحات ارضی واقعی بود. دهقانان بی زمین و کم زمین بود، جلور گیری از اقدام قاطع ریشه کنی بزرگ مالکی بود، بازگذاشتن دست بزرگ مالکان و دل دادن به آنها و در معرض سرکوب و تعقیب و اعمال فشار علیه دهقانان حق طلب و مبارز بود. ایزدی و عمالش آن قدر وقت گران قیمت را به

### شهروند ایالات متحده آمریکا

علیه محمد ایزدی، در لای کلمات و جملات، به خیال خود، حقه زبیر کانه ای می زند و کم کم بجای مسئله «تبعه شدن»، مسئله «گارت سیزگرفتن» را می گذارد. او مانند بی گناه عاجز و معصوم درماندگای که راه به هیچ جا ندارد، درباره خودش می نویسد: «تقاضای وصول چنین کارتی را در زمان شاه کرده بودم»، «تقاضای کارت سیز کرده بودم».

نه، جناب لیبرال فراری! شما می خواهید تبعه آمریکا شوید و این با درخواست «گارت سبز» تفرق دارد. شما می خواهید «شهرود مفید آمریکا» شوید و این کلمات خود شما در درخواست عاجزانه به سفارت آمریکا بود، نه دریافت «گرتین کارت»!

زنگی هم حدی دارد و گستاخی هم مری هم می بیند که چگونه لیبرال متنها رنگ عوض می کنند و دست به مسطه می زنند. مردم ایران درست همین پریش اساسی را مطرح می کنند که نامه «مردم» نیز پس از آنکه یادنامه شما، نوشت: «چند سالی، چه کمائی - تا عالما و یا عالما! که شما را، که تبعه آمریکا می خواستید بشوید، در آمریکا از زحمات ترین وزارت خاندن های کشور بعد از انقلاب گذاشتند؟ چطوری شود که شما آدمی وزیر کشاورزی می شوید و نظیر امیر انتظام معاصر نخست وزیر و مقدم برانه ای استاندار و نیک خلقی معاون وزارت بازرگانی و نوبه رئیس شرکت نفت، و امثال علوی و محقق و مهدیون، تیمساران شاهنشاهی، اهرم های ارتش را بدست می گیرند؟

### وضعیت قرمز برای کی؟

اما افاضات ایزدی در زمینه «خدمات کشاورزی» اش، نمونه دیگری از نبودن همان خصلت انسانی شرم و حیاسی است که در لیبرال های رخم - خورده و افشا شده، حکم سیرخ را دارد. او می نویسد: «تولید محصولات در زمان کوتاه دولت موقت جدا جدا بیست سال اخیر را داشته و متاسفانه بعدا شدیداً افول کرده و مسلما اگر بعضی بدین منوال باشد، در سنوات آتی وضع خطرناک تری پیش پایی می شود».

ایالات امریکا به ایزدی و لیبرال های هم کاسه اش یادآوری کرد که دهقانان، به فریمان امام خمینی بود که به کشت «گله» زمین ها پرداختند؟ آن ها، «علیرغم داشتن مشکلاتی که فتودالها و همچنین وزارت کشاورزی زیر مدیریت ایزدی ایجاد می کردند، با اطمینان تمام خمینی را علمی ساخته و در نتیجه تولید محصولات و بالا بردن دستمزد افول و رکود، به این شکل و حدی که طرح می خود هم، از یک سو تبلیغات ساخته و پرداخته فتودالها و عمال آمریکا است، که می خواهند روح و بخت ایجاد کنند و جلوی هر گونه اقدام انقلابی را بگیرند، و از سوی دیگر، تا آنجا که اوقیت دارد، شره مستقیم همان حکومت دندانه کار (لااقل) موقت است که، در زمان وزارت ایزدی، سابقا تحت غلا خرابکاری و ایجاد تحریک و تشنج بود و نگذاشت کاری که درخور انقلاب بزرگ ما باشد، انجام شود. یکی از بزرگ ترین قربانی که در زمان وزارت ایزدی به انقلاب خورد، معانت از انجام اصلاحات ارضی واقعی بود. دهقانان بی زمین و کم زمین بود، جلور گیری از اقدام قاطع ریشه کنی بزرگ مالکی بود، بازگذاشتن دست بزرگ مالکان و دل دادن به آنها و در معرض سرکوب و تعقیب و اعمال فشار علیه دهقانان حق طلب و مبارز بود. ایزدی و عمالش آن قدر وقت گران قیمت را به

### وضعیت قرمز برای کی؟

اما افاضات ایزدی در زمینه «خدمات کشاورزی» اش، نمونه دیگری از نبودن همان خصلت انسانی شرم و حیاسی است که در لیبرال های رخم - خورده و افشا شده، حکم سیرخ را دارد. او می نویسد: «تولید محصولات در زمان کوتاه دولت موقت جدا جدا بیست سال اخیر را داشته و متاسفانه بعدا شدیداً افول کرده و مسلما اگر بعضی بدین منوال باشد، در سنوات آتی وضع خطرناک تری پیش پایی می شود».

ایالات امریکا به ایزدی و لیبرال های هم کاسه اش یادآوری کرد که دهقانان، به فریمان امام خمینی بود که به کشت «گله» زمین ها پرداختند؟ آن ها، «علیرغم داشتن مشکلاتی که فتودالها و همچنین وزارت کشاورزی زیر مدیریت ایزدی ایجاد می کردند، با اطمینان تمام خمینی را علمی ساخته و در نتیجه تولید محصولات و بالا بردن دستمزد افول و رکود، به این شکل و حدی که طرح می خود هم، از یک سو تبلیغات ساخته و پرداخته فتودالها و عمال آمریکا است، که می خواهند روح و بخت ایجاد کنند و جلوی هر گونه اقدام انقلابی را بگیرند، و از سوی دیگر، تا آنجا که اوقیت دارد، شره مستقیم همان حکومت دندانه کار (لااقل) موقت است که، در زمان وزارت ایزدی، سابقا تحت غلا خرابکاری و ایجاد تحریک و تشنج بود و نگذاشت کاری که درخور انقلاب بزرگ ما باشد، انجام شود. یکی از بزرگ ترین قربانی که در زمان وزارت ایزدی به انقلاب خورد، معانت از انجام اصلاحات ارضی واقعی بود. دهقانان بی زمین و کم زمین بود، جلور گیری از اقدام قاطع ریشه کنی بزرگ مالکی بود، بازگذاشتن دست بزرگ مالکان و دل دادن به آنها و در معرض سرکوب و تعقیب و اعمال فشار علیه دهقانان حق طلب و مبارز بود. ایزدی و عمالش آن قدر وقت گران قیمت را به



لیبرال یزبان ساده

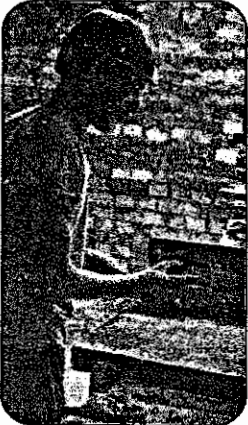
ایزدی، از ترس عقوبت تاریخ و انتقام خلق، پای دیگران را هم - در نامه خود به مجراید - به میدان می کشد و دوستان هم محفل خویش را هم به درون مرداب می کشاند. تا شاید بدتر غرق شود. او می نویسد: «دیگران هم درون محیط و شرایط آن روزی در آمریکا مشغول فعالیت موثر و مبارزه جدی بودند... و تعداد زیادی از همین آقایان پیش کسوتان، که هم اکنون سمت های حساسی در دستگاه های حکومت انقلاب دارند، نه تنها کاری سبز داشتند... بلکه بعضا تبعه هم شده بودند».

پایشان اشاره به مسئولینی کرده اند که گویا تبعه آمریکا نیز شده اند و امروز هست های حساس در جمهوری اسلامی دارند. بهتر بود آقای ایزدی این افراد تابع کشورهای بیگانه را به اسم معرفی می کردند، تا روشن گردد که آن افراد چه کسانی هستند.

در همین زمینه است که امام خمینی دستور کارلا روشنی داده و توصیه کرده اند که به گذشته «گله» دست اندازند - کاران صاحب سمت های حصار سیر سمدگی شود. ولی این امر که وظیفه مقامات مسئول و نهادهای انقلابی است، چیزی از بار گناه علی محمد ایزدی نمی گاهد که، نه ماه شد بدترین شره ها را به حمل مسئله ارضی و نوبل به یکی از اهداف مهم انقلاب وارد کرد، و در واقع بمثابة «شهرود آمریکا»، این دشمن اصلی انقلاب ما عمل کرد، نه به مثابه وزیر کشاورزی یک دولت انقلابی - انقلابی با آن هدف های ریشاهی و با آن پایه وسیع خلقی و با آن همه امید و آرزویی



# در کارگاههای جعبه‌سازی اصفهان



یکی از کارگران درحال چوب‌بری؛  
پا ۱۲ سال سابقه کار، هنوز نیمه  
نیست

برادرش، که نسبتاً سن بود و در کارش مشغول کار بود، گفت: "خود من از همین کار مرخص شدم، رفتم بیمارستان، کلی خرجم شد، ولی یک ریال به من ندادند. کارگرانی که پشت‌دستگاه ماشین‌اره نواری کار می‌کنند، از ۸ تا ۱۰ تومان مزد می‌گیرند. خطرانی که همواره در انتظار آن‌ها است، قطع انگشتان دست و یا پارشدن اره و برخورد بد بدن آن‌ها است، که ممکن است به مرگ کارگر منجر شود. از یکی از آن‌ها در باره سندیکا پرسیدم، می‌گوید:

"این شغل سندیکا ندارد. هر کس خودش باید حق خودش را بگیرد و پولگاه سرش برود. کسی تاحالا در این جهت اقدامی نکرده است. ولی بهتر بود اقدامی می‌شد."

همانطور که در ابتدا متذکر شدیم، کارگاه‌های زیادی وجود دارد که مالکین آن‌ها خود نیز مشغول به کار هستند، و پای ماشین اره یا در حال جعبه‌سازی می‌توان آن‌ها را دید. آن‌ها نیز در بهار و تابستان کودکان را به کار می‌گیرند، ولی در پاییز و زمستان، خود به کمک یکی دو کارگر کار می‌کنند. آن‌ها دل‌پر دردی داشتند: از سرمایه‌داران این حرفه‌وار رنگه‌داران، که مدام هستی‌شان از جانب آن‌ها در خطر است. پای صحبت پیشوران نشستیم:

ابراهیم بیابانگی، صاحب یک کارگاه کوچک، در حالی که دوسوا صاحب کارگاه کوچک دیگر نیز در کنارش بودند، گفت: "این آقایان شاه‌دند. سال گذشته، سه نفر از این مستکبران این کار درست؛ بمبکی کرده بودند گفتند: "می‌خواهیم این خرده‌پاها را از زونتی دست و پا جمع کنیم" بعد زودتر از ما رفتند بندر عباس، که بازار را قبضه کنند. نمی‌دانید، چه جانی کشیدیم، تا توانستیم سرمایه‌بایستیم. سرمایه‌دارها چوب‌ها را در زمستان از همین اطراف اصفهان تهیه می‌کنند. تقریباً به نصف قیمتی که ماحالاً خوب می‌شود. میخ هم آن‌ها یک جتا تهیه می‌کنند، در فروش هم آن‌ها که مثل ما ریششان گسرو نیست. حالا جعبه‌ها را می‌فروشند، پولش را هر وقت داشت می‌گیرند. در نتیجه ما که جعبه‌ارزانتر از ما تهیه می‌کنند و هم زودتر از ما بازار را می‌گیرند. حالا برای این که به پایتیمان برسیم، خدا می‌داند که کار باید بکنیم؟"

محمد بهروز نژاد می‌گوید: "ما سه نفر شریک هستیم. سال ۱۲ سال است در این جا کار می‌کنم. بی‌مقدمه و بنا نبوده کارگران هستم. چندی قبیل از طرف اداره بهداشت آمدند گفتند: "باید حمام برای شستشوی کارگران ساخته شود. و مدیر کارخانه دارد می‌سازد. وی در مورد انقلاب و خواست‌های ما می‌گوید:

"فلا درحال جنگ هستیم و از انقلاب توقع زیادی داریم. در گذشته، قبل از انقلاب، ما را استعمار می‌کردند، در برابر ۱۲ ساعت کار روزانه، فقط ۳۸/۵ تومان دستمزد می‌گرفتم. ولی حالا، بیشتر حقوق می‌گیریم. البته من باید از این هم بیشتر بگیرم، چون ۱۲ سال سابقه کار دارم. با یکی دیگر از کارگران، که مسئول وزن کردن کتدم است، صحبت می‌کنیم. او می‌گوید:

"من «فیان‌دار» هستم. روزی ۸ ساعت کار می‌کنم و روزی ۱۰۰ تومان دستمزد می‌گیرم. با شروع جنگ مدتی است که سرمایه‌داران و دولت‌مداران شرب را هم کار می‌کنند. حالا جنگ است، در این جنگ باید دست به هم

می‌سازیم، یک ساعت هم ظهر تعطیلیم، بقیه‌سال هیچ روزی تعطیلی نداریم. یعنی جمعه هم اگر کار نکنیم، مهمان جیب خودمان هستیم، اگر در عرض سال چهار روز خواستیم زن و بچه را به زیارت ببریم، مزد نداریم، در واقع کسی مرخص نمی‌دهد، نه عید، نه عاشورا. اگر هم تعطیل باشد، حقوقی در کار نیست، بدی کار کمزوری این است که هر چه پیشروی و از قوه و قدرت بیفتی، کمتر می‌توانی جعبه‌سازی. در نتیجه حقوقت کم می‌شود. الان یک جوان، که ۳ سال کار کند، بیش از من می‌تواند پول در بیاورد. من هر سال برای این که چرخ زندگی بچرخد، باستان بچسبم را هم می‌آورم همین جا پیش خودم، تا خرج‌شان را در بیاورم. (اشاره می‌کند به دو نوجوان در کنارش مشغول جعبه‌سازی هستند). از بیمه و بازنگشتی و بیماری‌های

تخصصی نیز برای مخارج خود عصرها کار می‌کنند. کارگران بزرگسال ستون اصلی کار را تشکیل می‌دهند. در هر کارگاه سه چهار نفر آن‌ها دائمی هستند، (در کارگاه‌های پیشه‌وری خود صاحبان کارگاه کارگران اصلی محسوب می‌شوند). و بقیه کارگران بزرگسال در بین کارگاه‌ها در رفت و آمدند. آن‌ها چون وضع ثابتی در یک کارگاه ندارند، بیمه نیستند. در بین آن‌ها هم که وضع ثابتی دارند، حتی دیده شده که کارگری با آن که ۱۲ سال سابقه کار داشت، هنوز بیمه نبود. کارگران اکثر زمستان‌ها برای ساخت جعبه به بندرعباس می‌روند. در بندر عباس برای ساخت هر جعبه ۲ ریال بیشتر مزد می‌گیرند.

برای گفتگو با کارگران، داخل کارگاه‌ها می‌رویم. یکی از بزرگ‌ترین کارگاه‌های جعبه‌سازی (تندیم)



از کودکان و نوجوانان پشت پیره‌کشی می‌شود

کارگاه، مانند بقیه کارگاه‌های جعبه‌سازی، تشکیل شده است از یک حیاط بزرگ، که در گوشه‌های آن انبار چوب است و در اطراف آن چند اتاق، که در آن جعبه‌سازی و قسمتی از آن نیز با چند ستون سقف زده شده‌است، که چند ماشین اره نواری در آن جای داده‌اند. داخل یکی از اتاق‌ها شدیم که یک کارگر مشغول جعبه‌سازی هستند. با اصرار او، که سنش از بیست بود، به گفتگو نشستیم. او گفت: "۳۷ سال است که در این کار هستم. قبلاً که ماشین اره نبود، چوب‌ها را با دست اره می‌کردم و به شکل تخته‌در می‌آوردم، ولی حالا جعبه‌سازی، برای هر جعبه کوچک ۸ ریال مزد می‌دهند، هر جعبه بزرگ ۱۰ ریال، ۵-۴ ماه از سال راهم می‌رویم بندر - عباس و آن جا جعبه‌های ۱۲ ریال مزد می‌دهند. روزانه حدود ۱۰۰ تا ۱۲۰ جعبه می‌توانم بسازم، یعنی تقریباً همه در همین حدود می‌توانند کار کنند، این تعداد را از صبح ۷ تا بعد از ظهر فقط در صورت داشتن حواله تحویل داده می‌شود. در رابطه با جنگ، چند روزی روستاها را به اینجا زیاد مراجعه می‌کردیم، چون فکر می‌کردند ممکن است دیگر آرد پیدا نشود، ولی حالا بهتر است. دستگاه‌های این کارخانه، فلاجند روزی است به علت تعمیرات کوب نمی‌کنند. همه کارگران درحال تعمیر دستگاه‌ها هستند و روستاها، که با برداشت کراهه، زیاد به‌وانتاها، کتدم خود را به محوطه کارخانه آورده‌اند، سرگردان هستند. باید کارخانه‌ها نیز به گفتگو نشستیم. وی گفت: "از این کارخانه، از سال ۴۸ تاکنون، بهره‌برداری می‌شود، فعلاً ۸ کارگر در اینجا کار می‌کنند و همه بیمه هستند. هر ۴ دستگاه ما با برق کار می‌کنند. اگر برق داشته باشیم و هر ۸ ساعت کار روزانه را کار کنیم، حدود ۸ تن آرد تولید می‌کنیم و وقتی ۳۰۰ تومان هم می‌گیریم، چون سفارش‌ها زیاد است، حتی شب‌ها هم کار می‌کنیم. محوطه کارخانه، زمستانی که دستگاه‌ها کار می‌کنند،

بیش از ۵۰ کارگاه جعبه‌سازی در اصفهان وجود دارد. به‌علت قیمت‌های باغداری و اجاره، باغ در اصفهان، این حرفه‌های سابقه نسبتاً طولانی است و جعبه‌های ساخته شده از مزره‌های استان اصفهان نیز می‌گذرد و به بندرعباس و گاه جیرفت و کرچ و شهرهای دیگر نیز می‌رود. بهار و تابستان جعبه‌سازی تماماً در خود اصفهان صورت می‌گیرد و در پاییز و زمستان تخته‌های بریده شده را به بندرعباس می‌برند و در آنجا می‌سازند، و در کارگاه‌های اصفهان تنها به بریدن تخته می‌پردازند. در دو فصلی که در اصفهان کاری‌شان، مخصوصاً تابستان، تعداد افراد کارگاه‌ها ۱۰۰ نفر بیشتر است و در بزرگ‌ترین آن‌ها به ۳۰۰ نفر می‌رسد.

کارگاه‌ها از نظر مالکیت به دو قسمت تقسیم می‌شوند: کارگاه‌هایی که صاحبان آن‌ها، سرمایه‌دار هستند و کارگاه‌هایی که پیشه‌وری است. ولی آنچه در تمام کارگاه‌ها مشترک است، آن‌ها بهره‌کشی و استثمار است. کارگران و نوجوانان دانش‌آموز است. کودکان و نوجوانان در واقع واگن‌های حمل و نقل کارگاه هستند و مانند پروانه بی‌مغز در درفت و آمدند. از انبار الوارها را برای اره‌کوبن می‌آورند و از آن قسمت برای تخته‌کوبن، دست‌های نحیف‌شان به‌دور تخته حلقی می‌پندد و بار بار به دوش می‌کشند، و در کارگاه استاد جعبه‌ساز می‌گذارند، بقیه آن‌ها را پشت ماشین اره می‌ساختند و یکمی می‌کشند که چوب‌ها صاف بریده شوند. آن‌ها بی‌گفتاش به‌ماشین نمی‌رسد، جعبه‌های چوبین بازیخان می‌دهد، تا کوتاهی قدری طرف خود و پنهانند یک طرف کار را بچرخانند. در واقع آن‌ها مکل هر کاری محسوب می‌شوند.

عده‌ای از آن‌ها که بزرگ‌ترین و فن جعبه‌سازی را فرا گرفته‌اند، در کنار خورکاری از تخته، جلوی سندیکایی چوبین و چهار زانو نشسته‌اند و مشغول ساختن جعبه هستند. بعضی از کارگاه‌ها درست مانند مکتب‌خانه است. در تمام طول کارگاه زانو به‌زانو می‌کوبند و نوجوانان نشسته‌اند و مشغول ساختن جعبه هستند. میخ و تخته و چکش در دست‌شان است و رقص می‌زنند و تخته‌ها به سرعت شکل می‌گیرند، چون کارزد هستند. از حیاط‌شان تکان می‌خورند، نم و رطوبت تخته‌ها و زمین آرزایشان می‌دهد، و این احتمال وجود دارد که در اثر این کار روماتیسم گریبان‌گشا شود. جعبه‌های ۸ تا ۱۰ ریال مزد می‌گیرند. البته باید بگوییم که استاد فن هم روزانه ۱۰۰ جعبه بیشتر نمی‌سازد، کودکان که جای خود دارند، به‌ساز آن‌ها هفته‌ای ۲۰ تومان می‌گیرند و مرجع نقلی کار و از بیمه و جرمی و تعطیل روز جمعه خبری نیست. بعضی از آن‌ها که بزرگ‌ترین در حین

گذشته سال‌ها را که کنسار گذاشتیم، آخر خراج به هرنفر ما روزی ۷۰ تومان رسید.

یک نفر دیگر می‌گوید: "ما تنها از سرمایه‌دارهای جعبه‌سازی نیست که دائم در عزاییم، بنگاه‌دارها هم از یک طرف دیگر جیب ما را خالی می‌کنند. طرف حساب عمده ما این‌ها هستند. صندوق بندری راز ما دانهای ۹۰ ریال خریداری می‌کنند، ولی به‌باغدار که به این قیمت نمی‌فروشند. همیشه ۳۰-۴۰ ریال روی قیمتش می‌کشند. شایبش را بکن. کار را ما می‌کنیم، یک نفر جنس را دست‌به‌دست می‌کند، پول درمی‌آورد و در واقع حق ما را می‌گیرد. زمستان هم که احتیاج به پول داریم، هزار جور بازی می‌آورند و نمی‌دهند."

آر آن‌ها برسدیم. فکر می‌کنید دولت چه کمکی به شما می‌تواند بکند؟ یکی از آن‌ها می‌گوید:

"شرکت تعاونی درست کند، یعنی ما دیگر با نگاه دارها طرف حساب نباشیم، با دولت طرف حساب باشیم. از یک طرف یک نرخ واحد روی جعبه‌ها بزند و از ما همین جا تحویل بگیرد. همین جهاد سازندگی خیلی خوب از پس این کار برمی‌آید. از طرف دیگر برای باغدارها هم بهتر می‌شود، چون دیگر جعبه را مستقیم با قیمتی ارزان‌تر از قیمت واسطه‌ها تهیه می‌کنند. مسئله سوم آن که مخارج حمل‌میه و در نتیجه قیمت آن نیز کم می‌شود. این کار هم به نفع باغدار است، هم خریدار، هم ما. تنها بنگاه دارها دست‌شان کوتاه می‌شود، که الهی بشود!"

به‌دیم و کمک کنیم تا پیروز شویم. یکی دیگر از کارگران، که در قسمت آرد کار می‌کند و تمام لباس و سر و صورتش از گرد آرد سفید شده است، می‌گوید:

"۹ سال است در اینجا کار می‌کنم. آرد جمع می‌کنم، وزن می‌کنم و به‌مرم می‌دهم. دستمزد ما کم است و جواب‌گوی هزینه‌ها نمی‌تواند. کمترین زندگی نیست، ما این‌همه باید بسازیم، تا جنگ را با خود ببریم. همه دست به‌دست ما در همین دشمن منجوار را بیرون کنیم. ما کارگران با کار و کوشش خودمان و برادری که درحال جنگ هستند، با جنگیدن در جبهه‌ها، استیادگی می‌کنیم، تا پیروز شویم. کارگاه‌ها هم با نظر آردسازها باید از امکانات بهداشتی کامل برخوردار باشند. غبارناکی از آردساز کردن آرد می‌تواند سلامت کارگران را تهدید کند. این کارگران حاضرند برای کمک به جنگ از جیب‌های خود در این شرایط چشم‌پوشی کنند و حتی متولید بیشتر بپردازند. لازم است که حداقل امکانات کار زندگی برای آن‌ها فراهم شود.

**کارگران کارخانه آرد «مهرگان»؛ حالا جنگ است. باید دست به هم بدهیم، تا پیروز شویم**

براز گرد و غبار است، به‌طوری‌که سرو روی کارگران را لایه‌ای از خاک و یا لایه‌ای از آرد می‌پوشاند. با یکی از کارگران صحبت می‌کنیم. می‌گوید:

روز در مقابل کارخانه آرد "مهرگان" باری کامیون‌ها و وانت‌ها حامل کتدم، به دنبال یکدیگر به صف می‌ایستند، تا کتدم‌ها را به کارخانه ببرند و پس از وزن کردن، به آن‌ها خالی کنند. بعد از این مرحله، بوسیله دستگاهی کتدم‌ها به داخل کتدم‌کوب حمل و در آنجا به آرد تبدیل می‌شود. آرد‌ها را به سه درجه تقسیم می‌کنند. آرد‌های درجه سه را با پوست (سوس) مخلوط می‌کنند و به دام‌ها می‌دهند. با کارگران و مسئولان این کارخانه به گفتگو نشستیم. تا اوضاع کارخانه، شرایط کار کارگران و نظر آن‌ها در مورد جنگ مطلع شویم.

در این کارخانه یکی از اعضا جهاد سازندگی مسئولیت بازرسی را به عهده دارد. با وی، که نقشه برادر جوانی است و فعلاً در این کارخانه کاری‌اش صحبت می‌کنیم. وی می‌گوید:

"من در اینجا کارگاه‌ها را زیر نظر دارم. قیمت‌ها را کنترل کرده و به وضع "سوس" رسیدگی می‌کنم، که خوب است. دام‌ها است. قبلاً "سوس" را در بازار آزاد می‌فروختند، ولی حالا "سوس" ها

### توطئه خوانین منطقه «ریز» استان بوشهر و اقدامات مهم نهادهای انقلابی

### روستائی زحمتکش روستای بانس: در ده جز مالک و نماینده اش، همه پشتیبان انقلاب هستند

بر اساس اطلاعات رسیده، خوانین منطقه «ریز» از توابع استان بوشهر، در صدد ایجاد آشوب و خرابکاری در این منطقه هستند. این خرابکاری بر زمینه نارضایتی مردم از کوتاه نکردن دست غارتگر خودالیا و خوانین وعدم اجرای قانون واگذاری زمین دهقانان بی زمین و کم زمین صورت خواهد گرفت. خوانین ضد-انقلابی، که خود بوجود آورنده چنین وضعی هستند، قصد دارند از آن برای ضربه زدن به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران استفاده کنند.

دهستان «ریز» حدود سه هزار نفر جمعیت دارد. این دهستان در منطقه ای کوهستانی واقع شده. مساحت آن حدود ۲۰۰ کیلومتر مربع است. این منطقه از لحاظ اقتصادی و کشاورزی و همچنین هوای مناسب و معتدل، مناسبانه تاکنون هیچ طرح عمرانی و کشاورزی در منطقه «ریز» اجرا نشده است. «ریز» از مناطق غرب استانهاست. بیشتر مردم این دهستان بی سوادند و کارخانه اهالی کشاورزی و دامداری است. بیشتر اهالی بعلت نداشتن زمین باکسری مزدی کشاورزی، کارگران یا کارگر روزمهرها و یا کار در کشورهای خلیج فارس امرار معاش می کنند.

تجهیزات و خدمات کامل، و از جمله ماشین آلات کشاورزی، حفرا همسنگ و پمپ عمیق، تامین سرویس دفع و مرگبات ضروری، احداث خیل بند و دیوارهای سبیل برگردان در طول مسیر رودخانه، تأسیس شرکت های تعاونی و تولید منظور کمک نقدی و جنسی، ایجاد مراکز توسعه دامداری و کشاورزی، تضمین خرید محصولات آنها به قیمت عادلانه و پرداخت وامهای طولانی و میان مدت بدون بهره، از دیگر خواستههای اهالی است. همه اینها مستقیماً به تولید مربوط میشود و اجرای آنها موجب بالا رفتن محصول و کمک به اقتصاد کشاورز میگردد. خوانین منطقه در روستای تاشان اقامت دارند و بسیاری از آنان آماده زیر پا کردن آشوب در منطقه اند و آنها بر انواع نقابها در صدد ایجاد اختلاف و درگیری در منطقه هستند. خوانین طایفه حیدری بیشتر زمینهای منطقه را در تصرف دارند و سالیانه سال است که قیمت و ارزش منطقه «ریز» بوده اند و حالا هم می خواهند زور ستم خود را بطرفی بر روستائیان زحمتکش اعمال کنند. آنها حتی از کوههای منطقه هم «سند» در دست دارند.

خوانین حیدری افراد مسلح را اجیر کرده اند و هم اکنون در منطقه گروه مسلح دارند. چند نمونه از ظلم و جور که این خوانین بر روستائیان زحمتکش روا می دارند، عبارتند از: ۱- در اوائل سال ۵۹، بدلیل خرابی راه و وضع بد مالی دانش آموزان با توافقی اداره آموزش و پرورش استان، قرار شد که دانش آموزان کلاس پنجم ابتدائی منطقه برای امتحانات نهائی به روستای جم که به مرکز بخش نزدیکتر است، بروند. تفکجهای های خان برای ایجاد آشوب راه را بر دانش آموزان و پلنگین گرفتند و به پیونده اختلافات خوانین حیدری با خوانین جم، مانع از رفتن آنها به محل امتحانات شدند و آنها را علیرغم مجوز قانونی اداره آموزش و پرورش استان، بزور اسلحه و آذوقه برگشتن کردند.

۲- خوانین حیدری، با ایجاد رعب و وحشت، در اوائل انقلاب توانستند از امکانات جهاد سازندگی دهستان به نفع خود استفاده کنند. اهالی روستای تنگان برای جلوگیری از این مسئله، در مقابل دفتر جهاد سازندگی بوشهر اجتماع کردند و خواهان کوتاه کردن دست خاندانها از جهاد سازندگی منطقه شدند. ۳- در اواخر مرداد ۵۹، در روستای امری، بدینال درگیری

حیدریها با چند خانواده فقیر روستا عوامل خان به منازل آنان توانداری کردند و آنها را مجبور به فرار از روستا و آوارگی در روستاهای اطراف کردند.

۴- در آبان ۵۹، فرمانده سپاه پاسداران، به اتفاق چند پاسدار، به دهستان «ریز» سفر کردند. بدینسان درگیری فرمانده سپاه پاسداران با یکی از افراد مسلح حیدریها، در بازگشت افتاد مسلح حیدریها را همراه پاسداران بستند و باعث تشنج و درگیری در منطقه شدند. تنهایی از آگاهی از رسیدن نیروی کمکی ارجح، او با شان فرار را برقرار ترجیح دادند و جادو را باز کردند. ولی با وجود تمام ظلم و جور و قدری خوانین حیدری و مزدوران تاشان، روستائیان زحمتکش منطقه «ریز» ذره ای عقب نشینی نکرده اند و کماکان در مبارزه برای احقاق حقوقشان کوشا هستند. آنها کما کوشا دست جمعی نوشته و کتاب و حفره کتابهای خود را به مقامات مسئول و نهادهای انقلابی تسلیم کرده اند.

نهادهای انقلابی، از جمله سپاه پاسداران، در جهت رسیدگی به شکایات روستائیان و حل مشکلات آنها یک دسته از پاسداران را در منطقه و چند مستقر خوانین را، تا جلو زورگویی و اجام خوانین راه را بگیرند. این عمل باعث تقویت جدی روحیه روستائیان شد. دستها از جهاد سازندگی هم در صددات است تا جهاد را از دست خوانین حیدری در منطقه بیرون آورد و دست زحمتکش روستائیان را دستگیر و دادگاه انقلاب استان نیز، بدینال شکایات و اعتراضات دهقانان زحمتکش و فعالیتها همه جانبه پاسداران، چند نفر از حیدریها را دستگیر و روانه زندان کرده است.

بسیج مستقیم زیر نظر سپاه پاسداران منطقه تشکیل شده و بخشی از زحمتکشان منطقه «ریز» را مسلح کرده است. آنها سرکمت بقهر روستائیان را آموزش می دهند. روستائیان هم- اکنون خود را برای مقابله با رژیم کما کوشا در صدد آماده می کنند و عده ای از آنها در حال آموزش جهت عزیمت به جبهه هستند.

۱- ایجاد بسیج در منطقه «ریز» خاری در چشم خوانین حیدری و مزدوران مسلح آنهاست.

۲- روستائیان خواستار حل عادلانه مسئله زمین اند و شب و روز کوشا انتظار آمدن هیئت هفت نفری و آگاهی زمین به منطقه هستند. جای هیئت درین کلیه نهادهای انقلابی نام- برده شده و اقدامات مهم و موثر آنها هنوز خالی است.

روستای بانس ۵ هزار نفر جمعیت، یکی از روستاهای استان فارس است. در این روستا، روستائیان به یاری نهادهای انقلابی توانسته اند اصلاحات ارضی را به انجام رسانند. منظور آشنا بی با وضع روستا، اقداماتی که در جهت تامین منافع دهقانان زحمتکش صورت گرفته است و مشکلات این دهقانان، با کرم، یکی از روستائیان با تشنه گفتگو می نشینیم. وی میگوید:

«جا رده روستا به فرسخ خاکی است. حجام را خود اهالی ساختند. ولی هنوز امکانات بهداشتی و برق نداریم. بعد از انقلاب و در زمان نخست وزیر بازرگان، بزیدی وزیر اسبق کشاورزی با مالکان منطقه همدست شده بود و دهقانان را سرکوب میکردند. ولی حالا توانستم اصلاحات ارضی را انجام دهم و مالک بزرگ را بیرون بکنم. لیکن هنوز نماینده مالک زورگویی میکند. اگر سپاه در ده باشد، جلوی بیعدالتی را می-گیرد. حالا هم سپاه تا حدودی به وضع ما رسیدگی میکند. کرم آنگاه به مشکلاتی که به هنگام فروش محصولات وجود دارد، می پردازد. در این خصوص و نیز در مورد نقش دولت برای تضمین خرید محصولات و قیمت عادلانه و قطع دست واسطه ها میگوید:

«اگر دولت محصولات را مستقیماً از ما ببرد و واسطه ها را حذف کند، به شورا در اختیارمان قرار دهد، دیگر کشاورزان محصول را به بلف خرها نمی فروشند و وسیله حمل و نقل برای ما گران تمام میشود. بار گریه ۲۵۰ تومان تا شهر است. وی درباره تجار و درازو-دسته صدام به ایران اقداماتی که اهالی در این مورد انجام داده اند، نیز چنین میگوید:

«در ده جز مالک فراری و نماینده اش، همه پشتیبان انقلاب هستند. همه جان فدای انقلاب هستند. تا بحال دهها مسافر و محسوس آن، می آیند و آنرا شکست ناپذیر میکنند.»

خوانین طایفه حیدریها صاحب زمینها و باغات منطقه بوده اند و هنوز هم به مالکیت و حکمرانی ظالمانه آن ها بر منطقه آسیبی وارد نیامده است. دهستان «ریز» شامل روستاهای ریز، دره بان، قلعه کهنه، پشتویه، آنازستان، گیلو و دگان، بندزنگاه، بنگو و تاشان است.

سراسر دهستان دارای یک خانه بهداشتی، یک بیمار، مرکز دهستان «ریز»، ۶ دبستان، ۳ تاسک کلاسه و ۲ دبستان عالی است. یک مدرسه راهنمایی است. ۱۰۰ دستگاه تهیه می کنند. جمعاً ۲۵۰ هکتار باغ و صیقلی و نخل ۴۰۰ هکتار سبزیکاری و صیقلی کاری و ۲۰۰ هکتار کشاورزی کثیف آبیاری می شود. با وجود وسعت زیاد زمینهای قابل کشت، تنها در ۷۵۰ هکتار زمین، کدو، جو و صورت دیم کشت می شود. دامهای این منطقه، که اکثر آن گلهای بزرگ تشکیل شده، ۲۰۰۰۰ رأس است.

مسئله واگذاری زمین بدهقانان بی زمین و کم زمین، با توجه به وضع مالکیت زمینهای کشاورزی که اکثر در دست خوانین منطقه است، از مهمترین مسائل این دهستان است.

**خواستهای دهقانان**

استیصال اهالی در بخش کشاورزی و دامداری ایجاد مراکز کشاورزی با

### هدف انقلاب به حاکمیت رساندن مستضعفان است

یکی از بزرگ مالکان منطقه بوشهر، که دارودسته تفکجهای مخصوص خود دارد، هم-اکنون در نیویورک بسر می برد. این شخص که وکالت مالکانش را به خواجه شاد داده است، در بوشهر و بسیاری نقاط ایران دارای اموال و املاک بسیار زیادی است. بکه اکثر آنها در دهستان است. چندی پیش مقداری از دامهای وی بوسیله اهالی علی آباد عسگرخان (۲۵ کیلومتری بوشهر) و توکاتوک تصرف شده بود. حکم توقیف باغ و زمینهای در منطقه بوشهر نیز در دست حاکم شرع است. بوشهر که بدلیل نزدیکی با اسیل این بزرگ مالک آنرا بحیران منطقه بوشهر، تا اینکه با شکایت اهالی علی آباد عسگرخان به بنیاد مستضعفان، بنیاد مسلمان را پی گیری کرد و سرانجام حکم را از حاکم شرع گرفت و با کمک سپاه پاسداران و با شکست در برابر بدلیل عدم حضور نماینده بزرگ مالک - محصولات را در اختیار گرفت. تا بیفیع مستضعفین بفروش برساند. نکته جالب توجه اینکه در طول این جریان حاکم شرع معسلی میگرد که از خواهر نفیسه و دلدجویی و عذرخواهی کند و قول داد که مبلغی بعنوان مخارج باغ به وی برگرداند!

جمهوری اسلامی ایران - به تاخیر رهبران انقلاب جمهوری

مستضعفین است. هدف جمهوری اسلامی ایران به حاکمیت رساندن مستضعفین و کسوف نشینان است. بنا بر این تمام نهادها و اشخاص و وسایل باید بر طبق خدمت به این هدف و تحقق آن عمل کنند. جانبداری از زمینداران و سرمایه داران بزرگ مستکبر و وابستگان آنها با هدف بزرگ انقلاب مغایر است و دلجویی از آنها کمالها برده قانان تهدید ستم روا داشته اند. بهیچوجه درخور و شایسته انقلاب نگرددند. ما نیست. اصل در نهادهای انقلابی عبارتست از خدمت به انقلاب و سعی در تحقق خواستها و حاکمیت مستضعفان و محرومان.



بیرانی به بزرگ مالک: کسی نمی تواند آزادی را از تو بگیرد. تمام زمینهایی که بدست آورده ای باید مال خودت باشد.

امام خمینی: اگر به قوانین اسلام عمل شود، هیچ کس دارای زمینهای بزرگ نمی شود. مالکیت در اسلام بصورتی است که همه تقریباً در یک سطح قرار می گیرند.





وزیر کشاورزی در جلسه علنی دیروز مجلس گفت:

کمبود محصول در سال زراعی گذشته، دقیقاً مربوط به مسأله مالکیت بوده است

پس بعد از توقف بند «ج» عملاً اشکالاتی در کار وجود داشته است. یکی از نمایندگان: «استیکار جهانی، پسرگردگی آمریکای جهانخواه، تالعه‌های که نتواند در درون این انقلاب سستی و رکود و تزلزل پدید آید، هرگز ضربه‌هایش از بیرون با موفقیت توأم نخواهد بود.» یکی از نمایندگان: «با حل مسئله گروگانها ساده‌لوحی است تصور کنیم مطلب تمام شده و آمریکا چون تعهد رسمی کرده که دخالت نکند، به تعهد خودش پای بند است»

جلسه دیروز مجلس شورای اسلامی ساعت هشت و سه دقیقه به ریاست حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شد. نخستین، ناطق قزلباز دستور جلسه دیروز مجلس، شرافت، نماینده مردم شوشتر، بود. وی در سخنانش از جمله گفت: «اسلام مخالف با آزادی نیست. اسلام همراه با آزادی است. اما کدام آزادی؟ هرج و مرج ایجاد نمیداند؟ آزادی وجود دارد. کدام طرفدار آزادی در دنیا است که معتقد به حدود و مرز برای آزادی نباشد؟»

وی افزود: «آمریکا وقتی در جبهه‌های رسمی جنگ شکست می‌خورد، از آن نمی‌لرزد. با حل مسئله گروگانها، ساده‌لوحی است تصور کنیم مطلب تمام شده و آمریکا چون تعهد رسمی کرده که دخالت نکند، به تعهد خودش پای بند است.» شرافت سپس به توطئه‌های مختلف در جامعه در جهت کمک به امپریالیسم آمریکا اشاره کرد و گفت: «استدعا می‌کنم هر چه زودتر این مطلب (حدود آزادیها) روشن شود.»

وی در بخش دیگری از سخنانش به مسئله دگرگونگناه اشاره کرد و از جمله گفت: «مطبوعاتی که مخالف با دولت هستند... این مطبوعاتی که نتوان اسلامی دارند... دیگر ایشان انتظار نیروی پرخلاف اخلاق اسلامی عمل کنند و توطئه‌هایی از این گروگانگیری در روزنامه‌ها ایشان مشاهده شود که یاس آور است برای خواننده‌هایشان.»

وی سپس خطاب به کسانی که بدینگونه عمل می‌کنند، گفت: «چون مسئله گروگانگیری به شما مسئله نشده اینطور می‌کنید؟ خوب ملت شما اعتماد نداشت و مسئله را دست شما بپا، امام مسئله را به مجلس واگذار کرد. شما میخواهید باز این ملت را به طرف ۴۸ مردان دیگری بکشایند.»

شرافت در پایان از فداکاری مردم شوشتر در مبارزه با دشمنان انقلاب و کمک به رزمندگان جبهه‌ها سخن گفت و از دولت خواست که به کمبودهای مردم انقلابی شوشتر توجه کند و در رفع آنها بکوشد. هرانی نماینده سبزوار، دومین ناطق قبل از دستور جلسه دیروز مجلس، طی سخنانی از جمله گفت: «استیکار جهانی، پسرگردگی آمریکای جهانخواه، در نمایشگاهی که از انواع و اقسام توطئه‌ها و تسمیه‌ها پدید آورد، به یک واقعیت رسید و آن اینکه، تالعه‌های که نتواند در درون این انقلاب سستی و رکود و تزلزل پدید آید، هرگز ضربه‌هایش از بیرون با موفقیت توأم نخواهد بود و عوامل اساسی انقلاب ما امام و اسلام و انقلاب و اتحاد و مشتهای گره کرده و پرتوهای مستضعفان است.»

وی افزود: «برای اینکه سرها را به زیر آورد و یانگیهای سرخ را خاموش سازد، دستی در این مملکت پدید آورد که از هر انگشش توطئه‌های و تسمیه‌های و لیرنگی و فریبی و شانزلی می‌بارد. از نخستین انگشش ایجاد یاس و بدبینی نسبت به انقلاب و نظام جمهوری اسلامی، از دومین پندش، نقاط طبیعی ضعف انقلاب را بزرگ جلوه‌دادن و اگر آردنیسمان کردن. سوم چهره انقلاب را در سطح جهانی گریه و زشت و خشن نشان دادن. چهارم تصعیف‌نهادی انقلابی و قوای سه‌گانه، و از همه خطرناکتر و فاجعه‌بارتر، شکستن سد قدرت امام و تصعیف روحانیت و نهایتاً جدایی دین از سیاست.»

تلاش آمریکا برای تفرقه

سومین ناطق قبل از دستور، طیبی، نماینده اسفراین، در سخنانش به وحدت و یکپارچگی مردم و رهبری هوشیارانه امام خمینی، که باعث پیروزی انقلاب گشت، اشاره کرد و گفت: «باید این دو عامل پیروزی را چون جان شیرین حفظ کنیم و اجازه ندهیم دشمن فداکار پرتوان رهبری را تصعیف کند و در میان مردم تفرقه ایجاد کند... بزرگترین تلاش آمریکا پیوسته در راه تفرقه‌افتنی و گروهرگروه کردن امت بوده است.»

وی افزود: «تایید تیر این دشمن خطرناک ناپاک را سنگ خوردماست و نتوانسته است به این هدفهای شوم و پلیدی برسد. طیبی از نام مردمخواست که برای مداوم انقلاب، ضمن اطاعت از فرمان امام خمینی، وحدت و یکپارچگی خود را حفظ کند. وی همچنین، با اشاره به نمایندگان گفت: «این خوبانی که ریخته شده، شما را پرستند نمایندگان تکیه داده‌است.»

آنگاه مجلس وارد دستور شد. مخیر کمیسیون اقتصاد و دارایی گزارش تصویب لایحه افزایش مدت مندرج در ماده ۳۸ قانون امور گمرکی از ۵ سال به ده سال را قرائت کرد. پس از پاسخگویی سئوالات نمایندگان در این مورد، چون سخنانی وجود نداشت، کلیات آن به تصویب رسید. آنگاه گزارش دیگری از کمیسیون امور اقتصادی و دارایی و کمیسیون امور استخدامی کشور مبنی بر تصویب لایحه مربوط به لغو محدودیت‌های موجود در بند ۵ و ۱۶ قانون بودجه سال ۵۹، به مجلس ارائه شد. پس از سخنان چند مخالف و موافق و توضیحات نماینده دولت، در کلیات این لایحه رای گیری بعمل آمد و به تصویب رسید.

آنگاه مجلس بحث در مورد جزئیات این لایحه را آغاز کرد. پس از پایان بحث، لوائح افزایش مدت مندرج در ماده ۳۸ قانون امور گمرکی، و لغو محدودیت‌های موجود در بند ۵ و ۱۶ قانون بودجه سال ۵۹، به تصویب رسید.

سپس سؤال نوروزی از سلامتی، وزیر کشاورزی، در مورد علت اینکه با وجود امکانات فراوان شهرستان گنبد، از بابت کلیه رشته‌های کار، اهم از باغها، دام و غیره، بیش از ۵ میلیارد ریال ضرر به بودجه کشور وارد شده است، قرائت شد. وی متذکر شد که بیشتر این ضرر متوجه کشاورزان و افراد پایین جامعه است. وی پرسید:

مشکلاتی که توقف بند (ج) ایجاد کرده است

سلامتی، وزیر کشاورزی، در این باره توضیحاتی داد. وی از جمله گفت: «تکمیل محصول در سال زراعی گذشته دقیقاً مربوط به مسئله مالکیت بوده است... طرحهایی که در این زمینه ارائه شده برای حل مسئله زمین، بعمل مختلف اجراء شده و یا متوقف مانده است... وزیر کشاورزی سپس به تصریح علل مختلف کاهش محصول پنبه اشاره کرد و از آن جمله از عدم امکانات مالی در مورد مالکین جزء و نیز عدم کاشت مالکین بزرگ‌زمین سخن گفت. وی در بخش دیگری از سخنان خود، درباره کمکهای وزارت کشاورزی به دوستان گفت: «بیش از ۴ هزار برابر سال گذشته کود توزیع شده است. بذری برای کشت پنبه در نظر گرفته شد که در منطقه گنبد برای حدود ۱۰۰ هزار هکتار کفایت می‌کند. میزان وامی که داده شده تقریباً ۴ برابر سال گذشته است.»

وی همچنین افزود: «البته ما معتقدیم، این یک راه حل منطقی و موقتی است. راه حل اساسی، مسئله مالکیت و مسئله زمین است. بعد از توقف بند «ج»، عملاً اشکالاتی در کار وجود داشته و بوجود آمده است. ما امیدواریم یک لایحه‌ای و طرحی تهیه شده و بزودی به تصویب رسد که این مسئله گرهی را حل کند.» سلامتی همچنین ضمن اشاره به نقش زمین که حیثیت ۷ فتری ایفا می‌کنند، از سیاست‌های و توطئه‌هایی که علیه کار آنان صورت می‌گیرد، سخن گفت. وی تأکید کرد: «هدف‌های ۷ فتری ما در منطقه گمرگان و گنبد کار غیرقانونی به هیچ عنوان انجام نماند.»

آنگاه نوروزی، ضمن سخنانی، جواب وزیر کشاورزی را قانع کننده ندانست و از جمله گفت: «دردمورد وام که گفته شد، وام را به کسانی دادند که صاحب سند بودند، در صورتیکه کشاورزان مستضعفان که اکثر ا زمینستان و بلوچستان آمده‌اند، اینها زمین ندارند و سند ندارند و چون سند ندارند نمی‌توانند وام بگیرند. پس در خط آنها بی گام برداشته شده که وضعشان خوب بوده.»

وی در پایان پیشنهاد کرد که ۲۶ نفر از نمایندگان مجلس با ۲۶ نفر از وزارت کشاورزی، برای رسیدگی دقیق به مسائل این منطقه بروند و در رفع آنها بکوشند. این سؤال برای بررسی بیشتر به کمیسیون ارجاع شد.

جلسه علنی دیروز مجلس در ساعت ۱۲:۱۵ به پایان رسید.

در حاشیه ...

ماشینی که ۳ چرخ ندارد!

نوروزی، نماینده گنبد، هنگام طرح سؤال خود از وزارت کشاورزی، ضمن تأیید دولت رجائی، از دولت بعنوان ماشینی که ۳ چرخ ندارد، (وزاری بازرگانی، اقتصاد و امور خارجه) یاد کرد.

در خوی، رفیق توده‌ای، به خاطر فروش نایب «مردم»، به سه ماه زندان محکوم شد!

در اوایل دی ماه، رفیق طبرشا خیدلوی، توسط افراد کینه‌توشین خوی دستگیر و چند روز بعد، «بهرج فروش نام مردم» به به حکم دادگاه انقلاب این شهر به سه ماه زندان محکوم شد. چنین اقدامی اولاً غیرقانونی است، زیرا نام «مردم» نشریه‌ای است که از دولت جمهوری اسلامی ایران امتیاز قانونی انتشار دارد. ثانیاً چنین اقدامی خلاف مصالح انقلاب است و به سود ضدانقلاب تمام میشود. توده‌ای‌ها و نیز

امپریالیسم آمریکا...

تقیه از صفحه ۱ کار پنهان‌جویی و بیانه‌تراشی است، تا توطئه براندازی خود را اجرا کند. به مجرد درود دگرگناه، به خاک آلمان فرتاله، این مسئله در راس تبلیغات رسانه‌های گرومی امپریالیسم قرار گرفت که گویا «با گروگانها بد رفتاری شده است» «گروگانها کشته شده‌اند» «گروگانها کشته رومی شده‌اند» و دچار سردگی هستند و تبلیغات لوس، اسما ذریغ و مفرضانه دیگری از این قبیل، تا امپریالیسم آمریکا بتواند افکار عمومی آمریکا و جهان را برای پذیرش توطئه‌های بدی خود علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران آماده کند. در پی یک هفته دروغ‌سازی و مهمل‌بانی در مورد کشته‌های گروگانها، تا گویان رادویو صدای آمریکا، در بخش فارسی‌سویسختان «هولدرزسی»، رئیس کمیته روابط خارجی سنای آمریکا، را بازگو کرد که گفته است:

«ما پایبندی گفتری چنان‌تظیم برای ایران تعیین کنیم، تا دیگر کسی جرأت تکرار گروگانگیری را نکند.» امپریالیسم آمریکا، که زمانی دراز «دگرگانگیری» را بهانه توطئه‌های خود علیه انقلاب ایران قرار داده بود، اکنون کشته دگرگناه، آزاد شده‌اند، کشته‌های گروگانها، را بهانه دسیسه‌های خود علیه انقلاب ما قرار داده است. و این پیرای، انضام‌سازشکارانی که گروگان‌گیری را علناً لامل تمام‌لاش‌های خانقانه امپریالیسم آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران و ناموس می‌کردند، شاهد زنده و تازه‌ای است.

امپریالیسم آمریکا، کفازت، تجاوز، آشوبگری، کودتاسازی، هجوم مسلحانه و عملیات گانگسترمانانه در مرشد و ذات اوست، و مجبور به انضام قراردادی شده است که بموجب آن باید در امور داخلی ایران مداخله کند. اکنون افسکار عمومی جهان با سری خناب و چشمی بیدار، مراقب آنست که آمریکای تجاوزکار تا چه حد به این قرارداد پای بند است. اسما

امپریالیسم آمریکا، این دردنده همیشه مهاجم، که نسبتاً از ایران، این قربانی مطامع خود، صرف نظر کند، هنوز در طلب بدست آوردن مجدد لقمه لایقذی است که بزود از کام او بیرون کشیده‌اند، هنوز نمی‌خواهد باور کند که ایران را برای «تقیه» از دست داده و مردم رزمنده این سرزمین هرگز دیگر بیهوده او امکان نروانند داد که مرز و پوز و منابع زرخیزشان، عرصه غارتگری امپریالیسم آمریکا باشد. این ناپاوری و غنا، امپریالیسم ددمنش آمریکا را به همه‌گونه دیوانگی و ماجراجویی میکشاند، تا شاید آب رفته را دوباره به جوی بازگرداند. در پی چنین فتالی عیثی است که متشکبه گروگانها، بهانه «تقیه» ایران قرار میگیرد، تا مستهانی که با «قرارداد اجزیره» زنجیر شده، برای دستگیری به ایران دوباره کشته گردد.

در انضام این نقشه خائنان، ضروری است خبری را نقل کنیم که رسانه‌های گرومی جهان، به نقل از خبرگزاری رویترز گزارش کرده‌اند. خبر چنین است: «مقامهای وزارت دفاع آمریکا گفته‌اند، علیرغم آزادی گروگانها، حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس، دو اینه قابل رضایشی کاهش نخواهد یافت.» این مقابله افزودند که:

«برهان تشدید حضور نظامی آمریکا در منطقه، تا این لحظه، ایجاد یکپارچگی و وسع‌های است که مجبور به مدترتین سلاحها هستند و با در اختیار داشتن ۲۸ هواپیمای بمبارکن سنکین از نوع ب. ۵۲، قادرند خود را به سرعت به منطقه خاور نزدیک برسانند. مرکز این یکپارچگی در آمریکا، در ایالت داکوتای شمالی است. سازشکارانی که همه دردهای ما و همه اقدامات تجاوزکارانه آمریکا را علیه انقلاب، قاضی از «دگرگانگیری» جلوه داده‌اند، خوشت پسرای توجیه مرشد خارتگر و متجاوز امپریالیسم آمریکا، «دلایله دیگری بچوبند، که این پای جوبین بسیار لشک است.»

به کوی لاله تبریز رسیدگی کنید

اقبال کوی لاله، واقع درجاده کمربندی تبریز، با کمبود امکانات رفاهی روبرو هستند. ساکنان این محله فقیر و اکثر کارگر قبسی هستند. این محله فاقد امکانات رفاهی از جمله فضای سبز، تلغف عمومی



# همبستگی مردم نیکار گوته با انقلابیون السالوادور

### مستشارهای آمریکائی مسئول مستقیم جنایاتی هستند که در السالوادور صورت می‌گیرد

در حالیکه مبارزه خلق قهرمان السالوادور علیه داروغسته مزدور حاکم پر کشور و امپریالیسم آمریکا وارد مرحله جدیدی شده است، مردم آمریکائی لاین همبستگی خود را هرچه بیشتر با این مبارزه اعلام می‌دارند.

مردم نیکار گوته، ضمن ابراز همبستگی کامل با مردم السالوادور، مبارزه این خلق را مبارزه خود می‌دانند. تقریباً هر روز در شهرهای مختلف نیکار گوته تظاهراتی به حمایت از مردم السالوادور برگزار می‌شود. از جمله بارها در مقابل سفارتخانه السالوادور در مالدو تظاهرات با شکوهی به‌صورتی که مردم السالوادور و محکوم کردن امپریالیسم آمریکا و رژیم مزدور السالوادور برگزار شده است.

از سوی دیگر، سفیر السالوادور در نیکار گوته، که به مبارزه با بیبوست است، از جنایات آمریکا در السالوادور پرده برداشت و گفت که: «مستشاران آمریکائی مسئول مستقیم جنایاتی هستند که علیه خلق السالوادور انجام می‌شود.

در پاناما و ونزوئلا و مکزیک نیز در روزهای اخیر تظاهرات گسترده‌ای به‌نفع مردم السالوادور و علیه سیاست امپریالیسم آمریکا برپا شد و مردم فریاد می‌زدند: «مستشاران آمریکائی جنایتکار از السالوادور کوتاه!»

# سیبیون‌های تل آویو به اقدامات غیر انسانی خود ادامه می‌دهند

سیبیون‌های تل آویو، علیرغم اعتراض جهانی، همچنان به ایجاد آبنمای‌های یهودنشین در سرزمینهای اشغالی و اخراج اعراب از این سرزمین ادامه می‌دهند.

کابینه اسرائیل تصمیم گرفت که سه آبنای یهودنشین جدید در کرانه غریب رود اردن ایجاد شود. از جمله یک آبنای به نام «دیواری شوروو» و در مرکز کرانه غریب رود اردن ساخته خواهد شد. این آبنای‌ها با غصب زمین‌های اعراب ایجاد می‌شود.

از سوی دیگر یک هیئت از حقوقدانان فرانسوی، که از سرزمینهای اشغالی دیدن کرده‌اند، گفتند که از سال ۱۹۶۷ تاکنون، سیبیون‌ها بیست‌هزار خانه اعراب را ویران کرده‌اند. بنا به همین گزارش سیبیون‌ها بیش از نیمی از مردم را در دوره‌های مختلف و به تاراج بازداشت کرده‌اند.

خلاصه موضوع نمایش عبارت از این است که:

سه دانشمند در یک آسایشگاه روانی پس می‌برند، یکی از آنها نابغه‌ای است که برای اینکه اختراعات او علیه بشریت استفاده نشود، خود را به دیوانگی زده و به آسایشگاه آمده. دومی که در واقع جاسوس یکی از کشورهای سوسیالیستی است، زیر پوشش دانشمند دیوانه به آسایشگاه آمده. و سومی هم که جاسوس یکی از کشورهای سرمایه‌داری است، به همین ترتیب، در پستی که بین دو جاسوس و دانشمند درمی‌گیرد، دانشمند نابغه آنها را در جیبش می‌کند که در هیچک از دو نظام سوسیالیستی و سرمایه‌داری «آزادی» وجود ندارد. هر دو سیستم علم را برای قدرت می‌خواهند و چون هر دوی از علم خود رسانه استفاده می‌کنند، نابودی بشریت حتمی است، و برای اجتناب از این نتیجه محتوم، فیزیکدانهای مسئول و متعهد باید در آسایشگاه بمانند زیرا که تنها در بیمارستان می‌توانند آزاده باشند «آزادانه» فکر کنند و با این دست‌آورد آنها قانع می‌شوند که در بیمارستان بمانند!

با این ترتیب باینکه کارگردان نمایش، با حسن‌نیت کامل، بخش‌هایی را که مستقیماً علیه کشورهای سوسیالیستی است، حذف کرده، «فیزیکدانها» صرف نظر از اینکه نیت کارگردان آن چه باشد، نتوانسته به هدف اصلی خود دست می‌یابد و در نظام

# فیزیکدانها: در خدمت که؟

نویسنده: فردریک دورنات  
مترجم و کارگردان: رضا کرمانیان  
بازیگران: جمیله شیخی، اکبر زنجانیپور، رضا کرمانیان، بهروز بقائی و ...  
محل اجرا: تالار رودکی

جهانی را با هم بران نشان می‌دهد. و این همان چیزی است که پوزره در دوران اخیر در مرکز استراتژی تبلیغاتی امپریالیسم آمریکائی قرار گرفته است: «تقسیم‌بندی آبرویی» یا جهان سوسیالیسم.

بهاره، واقع‌گسریز نمایش بسیار فرای از این است. به نظر دورنات: در جهان امروز اصولاً آزاد زیستن و آزاد اندیشیدن محال است. مگر در بیمارستان! هر تماشاکری که اندک علاقه‌ای به

# فیلمی علیه الجزایر انقلابی در ایران!

الجزایر است. در زمان طغوت این فیلم آشکارا ضد انقلاب بود و می‌بهرده انقلابیون الجزایر را «راهن» و «وحشی» نشان می‌داد و اشغالگران فرانسوی را «مردمانی در بیست» یافته و دروغ‌نفرک که حق دارند برای

فیلم آمریکائی «فرمان گمشده» به سیاق جدید نمایش فیلم در تهران، از پرده این سینما به پرده آن سینما منتقل می‌شود و اکنون در سینما گلدیس نمایش داده می‌شود. این فیلم آثری است درست ضد انقلابی و در خدمت منافع امپریالیسم. این فیلم که سازنده آن کارگردان تجارتی‌ساز معروف «هارک رایسون» است، در زمان طغوت هم در تهران نمایش داده شد. هدف اصلی این فیلم، که با استفاده از هنرپیشه‌های معروف سنی در جلب تماشاکران بیشتری دارد، لوث کردن انقلاب

# جوانان آلمان فدرال از استقرار موشک‌های «ناتو» در این کشور نگران هستند

گروه‌های جوانان و دانشجویان جهان بخاطر صلح و خلع سلاح و تشنه‌زدایی در هلندیکسی، پایتخت فنلاند، پایان یافت. در این گروه‌های، مساهمتن از نمایندگان سازمانهای مختلف جوانان متراسی جهان شرکت داشتند و مسائل مهم مربوط به ترقی اجتماعی و خلع سلاح مورد بحث قرار گرفت.

در سنده نهایی کنفرانس از جوانان جهان خواسته شد که مبارزه بخاطر صلح و تشنه‌زدایی را افزایش دهند و با تمام قوا در مقابل سابقه تسلیم‌ناحسی ایستادگی کنند. در سنده تأکید شده است، مطالب عظیمی که صرف تسلیمات می‌شود می‌توانست برای بهبود زندگی مردم جهان مصرف شود.

دانیل روزنبرگ، نماینده جوانان کارگر آمریکا، در کنفرانس گفت:

«مجموعه‌های نظامی ساتصادی مسئول مسابقه تسلیم‌ناحسی هستند. نماینده جوانان آلمان فدرال اعلام کرد که جوانان این کشور از استقرار موشک‌های ناتو در این کشور شدیداً احساس‌نگرانی می‌کنند.

# هنر

سرفروش انقلاب ایران داشته باشد، بعد از دیدن این اجرا از خود می‌پرسد: آیا اجرای این نمایش، که در زمان طغوت هم قابل اجرا بود، چه سودی برای تماشاکران دارد؟ آیا در روزهای که مردم ما در آتش و خون با امپریالیسم آمریکا می‌جنگند این نمایش به سهم خود آمریکا را از زیر غریبه خارج نمی‌کند؟ و آیا اساساً در شرایط کنونی کشور ما اجزای این اثر بچه دلیل است؟ آیا امکان‌پذیر است نمایشنامه مناسبی را برای اجرا انتخاب کرد؟ کارگردان، که خود مترجم پارهای از آثار خوب نمایش جهانی - از جمله برخی از آثار پرشت - است، و در اجرای این نمایشنامه هم نشان می‌دهد که توان هنری کافی برای اجرای آثار برجسته را دارد، آیا نمی‌توانست اثری را به صحنه بیاورد که در بسج و آگاهی توده‌ها مؤثر باشد؟ آیا بهتر نیست هنرمندان بالارزشی چون اکبر زنجانیپور و جمیله شیخی، هنر خود را در اجرای آثار دیگری، که در خدمت منافع مردم باشد، بکار برند؟ توقع ما و همدانقلابیون و دوستداران هنر این است که هنرمندان ارزنده ما، اتم از کارگردان و بازیگر، در جبهه هنر با توده‌های میلیونی همراه شوند.

# کمک نظامی آمریکا نمی‌تواند رژیم السالوادور را نجات دهد

جبهه آزادیبخش «فلاویونوماری» اعلام کرد که برای گسترش مبارزه علیه رژیم دست‌نشانده السالوادور، تجدید آرایش نیروها را به‌اتمام رسانده است. این جبهه یادآور شد که قسمتی از نیروهای خود را به کنترل این جبهه قرار دارد.

جبهه «فلاویونوماری» اعلام کرد که کمک نظامی آمریکا نمی‌تواند رژیم السالوادور را نجات دهد.

از سوی دیگر، خبرگزاری پرسانلانتا (کوبا) اعلام کرد که هر روز ده هواپیمای حمل‌ونقل فواریگر آمریکا سلاح و مهمات در سان‌سالوادور پیاده می‌کنند. آمریکا برای حمایت دست‌نشانده‌گان خود در السالوادور همچنین مستشار به این کشور گسیل می‌دارد.

کاخ بیدار بیدار کنیم  
خانم زینب لاکسیم آباد

رقعی جزئی، هواداران، دوستان حزب و هموطنان!

ما میخواهیم همراه شما و به کمک شما جشن چهلین سالگرد تأسیس حزب توده ایران را در خانه حزب برگزار کنیم برای خریدن و یا ساختن خانه حزب یکمک مالی حمایت‌پذیریم، کمک مالی خود را به‌همام رضا شلتوکی، شماره پانکی ۴۰۲۴، بانک ملت ایران (بانک تهران سابق) شعبه سپهبد قرنی شمالی، بپردازید.

توجه: پرداخت پول، یا ذکر مشخصات فوق به‌تمام شعبه‌های بانک ملت ایران (بانک تهران سابق) ممکن است.

۳۰۰۰ ریال

# تورم و افزایش قیمتها در پشت سرمایه‌داری، سویس، نپداد می‌کند

سویس، این با‌س‌ت‌لاخ بهشت سرمایه‌داران، در بحران اقتصادی هرچه عمیقتری فرز می‌برد، زحمتکشان شهن ژنو و بویژه کارگران پست در این شهر، تظاهرات گسترده‌ای در خیابانهای شهر برپا کرده و خواستار افزایش دستمزد و مقابله جدی با تورم انجام می‌دهند. رهبران تظاهر کنندگان اعلام کرده، این دومین بار در یکماه اخیر است که کارگران پست برای احقاق حقوق خود دست به تظاهرات می‌زنند. این رهبران اعلام کرده، در سالهای اخیر مقامها تنها وعده داده‌اند، درحالیکه در این مدت هزینه زندگی بگونه‌ای سرسام‌آور، افزایش یافته است. در این میان، بویژه افزایش پهای مواد غذایی چشمگیر است. کارگران پست ژنو اعلام کرده، در صورت عدم رسیدگی به این خواستها، اقداماتی در سطح کشور بعمل خواهند آورد.

# عضو کمیته مرکزی سازمان القتح: پیشنهادهای اتحاد شوروی برای حفظ صلح و امنیت در خلیج فارس، نشانه حسن‌نیت این کشور در قبال خلقهای این منطقه است

محمد علی، عضو کمیته مرکزی سازمان القتح و عضو شورای ملی فلسطین، پیشنهادهای اتحاد شوروی را برای حفظ صلح و امنیت در خلیج فارس مورد ستایش قرار داد و گفت:

«این پیشنهادهای که توسط تلوید پرژوف در دهلی او مطرح شده نشانه بارز حسن‌نیت شوروی در قبال ملتها و کشورهای منطقه خلیج فارس است.»

محمد علی افزود: «برای برآورد کامل پیشنهادهای صلح‌آمیز اتحاد شوروی و برپردن به ارزش و اهمیت آن لازم است که اوضاع متشنج منطقه مورد توجه قرار گیرد.»

مقام برجسته القتح گفت: «مداخله نیروهای خارجی در امور داخلی افغانستان و تلاش برای خفه کردن انقلاب ایران و جنگ کثرتی در خلیج فارس، حضور نظامی بی‌سابقه امپریالیسم آمریکا در اقیانوس هند و خلیج فارس، همه‌وهمه این منطقه را به آبلر باروت تبدیل کرده که تغییر آن هوانت‌ترین نیازها را در پهنه جهانی پیا می‌گذارد.»

Price:	0.80 DM
West-Germany	
France	2 Fr.
Austria	8 Sch.
England	20 P.
Belgium	10 Fr.
Italy	350 L.
U.S.A.	40 Cts
Sweden	1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه مردم و همه مقامات دولتی و غیر دولتی می‌توانند به آدرس زیر با نامه مردم مکاتبه کنند:

صندوق پستی ۱۳۵۹، منطقه ۱۶ پستی تهران